

تعهدات دولتهای حوضچه هریرود در احداث تأسیسات آبی

علی مشهدی -

نرگس اکبری -

شناسه دیجیتال اسناد (DOI) : 10.22066/CILAMAG.2020.96365.1600

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۰۱

چکیده

رودخانه بین‌المللی هریرود، یک رودخانه مرزی پی‌درپی بین کشورهای افغانستان، ایران و ترکمنستان است که سرچشمه‌اش در خاک کشور افغانستان (دولت بالادست) واقع شده است. تا کنون هیچ توافقنامه مشترک بین این سه کشور منعقد نشده است. دولتهای حوضچه هریرود در شاخه‌های فرعی که در قلمرو این کشورها هستند سدهایی ساخته‌اند که باعث مسدودشدن جریان اصلی آب به شاخه اصلی می‌شود. با توجه به بحران کم‌آبی و فقدان موافقت‌نامه‌ای در خصوص نحوه بهره‌برداری از هریرود، بیم آن می‌رود این تأسیسات آبی به اختلافی بین‌المللی تبدیل شوند. لذا این مقاله با استفاده از رویه دآوری و قضایی، اسناد و عرف بین‌المللی، تعهدات بین‌المللی دولتهای حوضچه هریرود را در زمینه احداث تأسیسات آبی تبیین می‌کند. مقاله نتیجه می‌گیرد که دولتهای مزبور، علاوه بر الزام به اطلاع‌رسانی در احداث تأسیسات آبی، متعهدند از رودخانه هریرود، منصفانه و معقول، طوری که به کشورهای پایین‌دست هریرود (ایران و ترکمنستان) آسیب جدی وارد نشود بهره‌برداری کنند.

واژگان کلیدی

استفاده منصفانه و معقول، منع ایراد آسیب مهم، هریرود، سدسازی، افغانستان، ترکمنستان و ایران

مقدمه

کشورهای افغانستان، ایران و ترکمنستان با توجه به جغرافیای خود در ناحیه خشک و نیمه‌خشک غرب آسیا واقع شده‌اند. این سه کشور که با توجه به آمارهای موجود، در سال ۲۰۲۵ شاهد کمبود منابع آب گسترده‌ای خواهند شد^۱، در یک حوضچه آبریز بین‌المللی به نام رودخانه هریرود^۲ که از کشور افغانستان سرچشمه می‌گیرد مشترک هستند. دولت ترکمنستان وارث توافقات ایران و شوروی سابق در خصوص سد پل خاتون بر هریرود است که بعدها به نام سد دوستی^۳ معروف شد. دو کشور بر مبنای توافقات پیشین، بدون اطلاع‌رسانی به دولت افغانستان، اقدامات مشترک را برای اجرایی کردن عملیات احداث سد آغاز کردند. افغانستان در ۱۳۷۵ به این اقدامات اعتراض و اظهار کرد احداث سد سلما^۴ بر این رودخانه را در دست دارد. احداث سد دارای سابقه طولانی

۱. اسکندری رضایی، داوود؛ «چشم‌انداز جهانی بحران آب»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۹، ۱۳۸۹، ص ۵۳.

۲. این رودخانه بین‌المللی از ارتفاعات هندوکش در افغانستان سرچشمه می‌گیرد و پس از طی ۶۵۰ کیلومتر در نزدیکی شهرستان تایباد به مرزهای افغانستان و ایران می‌رسد. در ایران پس از پیوستن چند رودخانه فصلی به آن تا تنگه ذوالفقار که محل تلاقی مرزهای ایران، افغانستان و ترکمنستان است خط مرزی ایران و افغانستان به طول ۱۰۷ کیلومتر را تشکیل می‌دهد. هریرود در پل خاتون با «کشف رود» تلاقی و از آن به بعد «تجن» نامیده می‌شود. تجن که ۱۱۷ کیلومتر مرز مشترک ایران و ترکمنستان را تشکیل می‌دهد پس از خروج از مرز در دشت قره‌قوم، پخش و در حوالی شهر تجن محو می‌شود. ن.ک: سیدهادی زرقانی؛ «نقش رودهای مرزی در همکاری و همکاری منطقه‌ای، نمونه موردی هریرود و سد دوستی»، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۶، ۱۳۹۰، ص ۷۰.

3. Doosti Dam

این سد در مرز ایران و ترکمنستان و روی رودخانه مرزی هریرود در ۷۵ کیلومتری شهرستان سرخس در شمال شرق خراسان رضوی احداث شده است. این سد از نوع خاکی با هسته رسی به ارتفاع ۷۸ متر و طول تاج ۶۵۰ متر است. مخزن این سد گنجایش ۱ ۲۵۰ میلیون مترمکعب دارد. این سد با همکاری مشترک ایران و ترکمنستان ساخته شده و عملیات اجرایی ساخت آن در سال ۱۳۷۹ آغاز و در فروردین سال ۱۳۸۴ توسط رؤسای جمهوری ایران و ترکمنستان افتتاح شد. این دریاچه حدود ۳۵ کیلومتر طول دارد و آب آشامیدنی شهر مشهد و آب کشاورزی روستاهای ایران و ترکمنستان را تأمین می‌کند. ن.ک:

Berga, L. Bofill, J.C. Polimon, A. Buil, E. De Cea, J.A, Manueco, J., *Dams and Reservoirs, Societies and Environment in the 21st Century*, Taylor & Francis Group, 2006, p. 523.

4. Salma Dam

سد سلما که بزرگ‌ترین پروژه دولت افغانستان در ۱۵ سال اخیر اعلام شده است، در نواحی بالایی هریرود در نزدیکی ولسوالی چشت شریف در ولایت هرات در غرب افغانستان قرار دارد. این سد دارای ۱۰۷ متر ارتفاع و سد سنگریزه‌ای به طول ۵۵۰ متر است. طراحی ساخت سد در ۱۹۷۶ در زمان محمد داودخان، رئیس جمهور اسبق افغانستان، انجام و روند ساخت آن آغاز شد. کار این طرح بزرگ اقتصادی افغانستان به علت جنگ‌های داخلی و تجاوزات خارجی به افغانستان، برای سال‌ها متوقف شد. در سال ۲۰۰۵ هند هزینه مالی اجرای این طرح را بر عهده گرفت و به کمک این کشور عملیات ساخت سد سلما از سر گرفته شد. در دسامبر ۲۰۱۵ دولت هند هزینه تخمینی این سد را ۲۹۰ میلیون دلار تصویب کرد. این سد دارای دریاچه‌ای به عرض ۲۴ متر و سه مخزن آبی است که هرکدام ۱۰ متر طول و ۸ متر عرض دارد. حوض ذخیره آب آن تقریباً ۲۲ کیلومتر طول و ۳ کیلومتر عرض دارد. ظرفیت این سد ۶۳۳ میلیون مترمکعب است. سد سلما در کنار تولید ۴۲ مگاوات ساعت برق، ظرفیت آبیاری حدود ۸۰ هزار هکتار زمین را نیز دارد. به‌تازگی دولت افغانستان علاوه بر سدهای سلما و پاشلمان، وعده ساخت دو سد دیگر بر روی هریرود را نیز داده تا بتواند بخش‌های دیگر آب‌های آن را مدیریت کند. کارهای مطالعاتی سد یا به قول

توافقات بین ایران و شوروی بود و در تاریخ یادشده عملیات اجرایی‌اش نیز آغاز شده بود. دولت ایران از دولت افغانستان خواست همچون گذشته، اجازه دهد همان میزان آبی که قبل از احداث سد سلما در مرز مشترک ایران و افغانستان جریان داشت، به سرحدات ایران جریان داشته باشد. از این رو احداث سد ادامه یافته و در ۲۳ فروردین ۱۳۸۳ با حضور رؤسای جمهور ایران و ترکمنستان به بهره‌برداری رسید.^۵ البته ذکر این نکته مهم است که به علت بالادست قراردادن سرچشمه‌های این رودخانه در کشور افغانستان در آن حوضچه آبریز، بیشترین کنترل رودخانه هریرود به دست افغانستان است. این دولت نیز به علت اینکه بخشی از مساحت آن کوهستانی و خشک است و در سال‌های اخیر با مشکل کم‌آبی شدیدی مواجه شده است در نظر دارد با احداث سدهایی، آب‌ها را در داخل افغانستان مدیریت، سازماندهی و کنترل کند. یکی از این تأسیسات آبی، سد سلما است. احداث این سد بر روی آن رودخانه در کشور افغانستان، تنش‌هایی بین سه کشور مزبور به همراه داشته است. آنچه بر اهمیت این مسئله می‌افزاید، وابستگی دو کشور ایران و ترکمنستان به سد دوستی است که در پایین‌دست سد سلما در خاک ترکمنستان و با همکاری کشور ایران احداث شده است. از آنجا که این سد در بالادست سد دوستی و در نزدیکی سرچشمه‌های رودخانه هریرود احداث شده، هرگونه مهار آب، کاهش آورد رودخانه هریرود و به تبع آن، کاهش حقابه هر دو کشور ایران و ترکمنستان را در پی خواهد داشت.^۶ رودخانه هریرود یکی از منابع اصلی آب ورودی به بخش‌هایی از مناطق شمال شرق ایران و جنوب ترکمنستان و تأمین‌کننده آب آشامیدنی و کشاورزی جمعیت زیادی از مردم بوده و همواره به‌عنوان یکی از نگرانی‌های این دو کشور به لحاظ پایداری جریان ورودی تلقی می‌شده است. ترکمنستان در پایین‌دست رودخانه هریرود، از جمله کشورهای تولیدکننده گاز طبیعی و نفت در آسیای مرکزی است. هرچند این کشور دارای منابع غنی فسیلی است و با فروش سالانه این محصول به کشورهای دیگر از جمله ایران، درآمدهای زیادی نصیب خود می‌کند، به کشاورزی خود نیز رونق زیادی داده و شغل بیشتر مردم ترکمنستان، کشاورزی و دامپروری است. این کشور با تولید پنبه و فراوری آن، صنایع نساجی فعال پیشرفته‌ای دارد و از بازار فروش بالایی در سطح جهان برخوردار است. این کشور از آب مخزن سد دوستی تنها برای مصارف کشاورزی استفاده می‌کند.

افغان‌ها، بندهای تیریل و گفگان در ولسوالی‌های کهسان و پشتون‌زرغون هرات آغاز شده و مسئولان وزارت انرژی افغانستان می‌گویند که طی کمتر از یک دهه آینده این سدها نیز بر روی هریرود ساخته می‌شوند.

See: Bradnock, Robert W., *The Routledge Atlas of South Asian Affairs*, Routledge, 1st Edition, 2016, p. 171; Wirsing, Robert G., Adeel, Zafar, *Imagining Indus: Overcoming Water Insecurity in the Indus Basin*, Springer, 2016, p. 10.

5. Berga, L. Bofill, *op.cit.*, p. 523.

۶. شهبازبیگان، محمدرضا و مسعود موسوی شقایب؛ «تحلیلی بر احداث سد سلما بر رودخانه هریرود در کشور افغانستان»، مرکز تحقیقات استراتژیک، دوره ۱۷۸، ۱۳۹۵، ص ۱.

ایران نیز همچون ترکمنستان، کشور پایین دست رودخانه هریرود است. رودخانه هریرود به لحاظ تأمین آب آشامیدنی مشهد به منابع آب سد دوستی اهمیت دارد به نحوی که نزدیک به ۷۰ درصد از منابع آب شهر به این آب وابسته است و بخشی از نیازهای آشامیدنی و کشاورزی دشت سرخس از سد دوستی تأمین می‌شود.^۷ بدین ترتیب، اقدام دولت‌های ایران و ترکمنستان به احداث سد دوستی و احداث سد سلما از سوی دولت افغانستان، اختلافاتی در خصوص نحوه بهره‌برداری از هریرود ایجاد کرده که ممکن است به اختلافات بین‌المللی تبدیل شود. لذا این مقاله در پی آن است تا تعهدات بین‌المللی دولت‌های حوضچه هریرود را در احداث تأسیسات آبی تبیین کند.

۱. هریرود، ابراهی بین‌المللی یا داخلی؟

به هر حال، اثبات بین‌المللی بودن رودخانه هریرود می‌تواند راهگشا و سرآغازی برای حل اختلافات آبی دو کشور تلقی شود. از دیدگاه حقوق بین‌الملل، رودخانه‌ها به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: رودخانه‌های ملی یا داخلی و رودخانه‌های بین‌المللی. رودخانه‌های ملی، در داخل یک کشور جاری هستند؛ نقطه شروع و پایان رود در داخل سرزمین یک کشور است، مانند می‌سی‌سی‌پی در امریکا. این‌گونه رودخانه‌ها تماماً تحت کنترل و بهره‌برداری دولت‌های حاکم سرزمینی هستند. رودخانه‌های بین‌المللی، از چند سرزمین عبور می‌کنند و دو یا چند کشور را از یکدیگر جدا می‌کنند. به‌طور کلی این رودخانه‌ها به دو دسته، رودخانه‌های مرزی (مجاور) و رودخانه‌های متوالی (پی در پی) تقسیم می‌شوند. رودخانه‌های مرزی قلمرو دو یا چند کشور را از یکدیگر جدا می‌سازند و در واقع تمامی یا قسمتی از آن‌ها مرز دو یا چند کشور را تشکیل می‌دهد،^۸ مانند اروندرود میان ایران و عراق و هریرود میان افغانستان، ایران و ترکمنستان. رودخانه‌های متوالی از قلمرو دو یا چند کشور سرچشمه گرفته و پس از به‌هم‌پیوستن، از خاک دو یا چند کشور عبور می‌کنند^۹ مانند نیل، راین، دانوب و دجله و فرات در کشورهای ترکیه، سوریه، عراق و ایران.

شارل روسو، رود بین‌المللی را چنین تعریف می‌کند: در علم و در عمل، هر آب جاری عظیم را که قابل کشتی‌رانی باشد و از سرزمین چند کشور عبور کند (رودهای پیاپی) یا سرزمین آن‌ها را از هم جدا سازد (رودهای همجوار)، به‌طور عام، رود بین‌المللی می‌نامند.^{۱۰} در گذشته بهره‌برداری از

۷. پیشین.

۸. پیشین.

۹. پیشین.

۱۰. فرشادگر، ناصر؛ نظام حقوقی رودهای بین‌المللی و اروندرود، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۷، ص ۵.

رودخانه‌ها، معطوف به قابلیت کشتی‌رانی در رودخانه‌ها بود؛ همان‌طور که ماده ۳۳ قرارداد ورسای (۱۹۱۹)، رودخانه بین‌المللی را رودی می‌داند که قابل کشتی‌رانی بوده و بیش از یک کشور را به دریای آزاد مرتبط کند. موافقت‌نامه *بارسلون* (۱۹۲۱) که به منزله قانون اساسی حاکم بر رودخانه‌های بین‌المللی است، وجه تسمیه عرفی رودهای بین‌المللی را به «آبراه‌های مورد استفاده بین‌المللی» تغییر داد. موافقت‌نامه *بارسلون*، ضابطه اقتصادی رود را بر ضوابط عرفی (از چند سرزمین عبور کردن و قابل کشتی‌رانی بودن) افزود. در نهایت می‌توان چنین استنتاج کرد که رودی بین‌المللی است که سه مشخصه زیر را داشته باشد:

۱- از خاک دو یا چند کشور عبور کند.

۲- دو یا چند کشور را از یکدیگر جدا سازد.

۳- اهمیت اقتصادی داشته باشد.^{۱۱}

«کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل متحد در خصوص استفاده غیرکشتی‌رانی از آبراه‌های بین‌المللی»^{۱۲} در سال ۲۰۱۴ پس از حدنصاب رسیدن تعداد کشورهای موافق، لازم‌الاجرا شد. در این کنوانسیون با توجه به بند اول ماده ۲ آن، تعریف کلی آبراه بین‌المللی این‌گونه دست‌خوش تغییر شد.

«آبراه، یک سیستم متشکل از آب‌های سطحی و زیرزمینی است که به‌موجب ارتباط فیزیکی خود، یک واحد را تشکیل داده و به یک نقطه مشترک منتهی می‌شود». در این تعریف، آب‌های زیرزمینی هم اضافه و تعریف آبراه دگرگون شده است؛ اما با توجه به بند ۲ ماده ۲، اصطلاح آبراه بین‌المللی را منحصر به رودهای بین‌المللی می‌داند و امروزه قابلیت کشتی‌رانی، معیار چندان تعیین‌کننده‌ای برای توصیف رودخانه‌های بین‌المللی نیست.^{۱۳} اکنون هم سه معیاری که ذکر شد بر شناسایی یک رود که داخلی است یا بین‌المللی اولی هستند. در عصر حاضر، از رودها چه داخلی و چه بین‌المللی، علاوه بر کشتی‌رانی و ماهی‌گیری برای مصارف غیرکشتی‌رانی نظیر حمل‌الوار، تولید برق، مصارف کشاورزی، مصارف صنعتی، مصارف تفریحی و سرگرمی استفاده می‌شود.

۲. نظریه‌های حقوقی مطرح در زمینه بهره‌برداری از رودخانه‌های بین‌المللی

در خصوص بهره‌برداری از رودخانه‌های بین‌المللی چهار نظریه موجود است که به‌طور مختصر بحث می‌شوند.

۱۱. پیشین، ص ۶

12. United Nations Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses, 1997.

۱۳. ضیائی بیگدلی، محمدرضا؛ حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ چهل‌وهشتم، گنج دانش، ۱۳۹۶، ص ۳۴۱.

۲-۱. نظریه حاکمیت سرزمینی مطلق

این نظریه که به دکتربین هارمون^{۱۴} نیز معروف است در حمایت از دولت بالادست رودخانه‌های بین‌المللی مؤثر است. به موجب این نظریه، آن قسمت از رودخانه‌های بین‌المللی که در سرزمین هر کشور جریان دارد، جزء آب‌های داخلی آن کشور در نظر گرفته شده و هر کشور می‌تواند از این منبع آبی به هر صورتی که ضروری می‌داند بدون در نظر گرفتن پیامدهای آن استفاده کند.^{۱۵} به دلیل منافی که این دکتربین برای کشورهای بالادست آبراه‌های مشترک دارد، این کشورها در اختلافات آبی به این نظریه استناد می‌کنند. این دکتربین، برخلاف عدالت و انصاف بوده، لذا کمتر حقوق‌دانی از آن حمایت کرده است.^{۱۶}

چند تصمیم حقوقی یا داوری بین‌المللی از این نظریه انتقاد کرده‌اند که مشهورترین آن‌ها رأی سال ۱۹۵۶ محکمه داوری اسپانیا و فرانسه در پرونده دریاچه لانو^{۱۷} است. در این رأی آمده است:

«محکمه معتقد است که دولت بالادست، مطابق اصل حسن‌نیت، متعهد است نشان دهد که واقعاً در پی سازش بین مصالح دیگر دولت ساحلی با مصالح خود است.»^{۱۸} همچنین در حکم دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد کانال کورفو^{۱۹} و دیوان داوری در قضیه تریل/اسملتر^{۲۰} این موضوع به وضوح دیده شده است. هرچند این آرا به طور مستقیم به آبراه‌های بین‌المللی نمی‌پردازند، این مطلب از آن‌ها قابل دریافت است که هیچ دولتی نمی‌تواند از سرزمین خود به

14. Harmon Doctrine

دکتربین حاکمیت مطلق سرزمینی بعد از اینکه جانسون هارمون، دادستان کل ایالات متحده آمریکا بر حق مطلق ایالات متحده آمریکا به منظور منحرف کردن رودخانه ریوگراندا در ۱۹۸۵ تأکید کرد به دکتربین هارمون معروف شد. این دکتربین در معاهده ۱۹۰۶ بین ایالات متحده آمریکا و مکزیک در خصوص توزیع منصفانه آب‌های رودخانه ریوگراندا برای اهداف آبیاری و معاهده ۱۹۰۹ میان ایالات متحده آمریکا و کانادا در رابطه با آب‌های مرزی و مسائل ناشی از مرز میان دو کشور متجلی شده است. البته دولت ایالات متحده آمریکا بعد از مدتی از دکتربین هارمون در معاهدات مزبور دست کشید. ن.ک:

Mizanur Rahaman, Muhammad, "Principles of International Water Law: Creating Effective Transboundary Water Resources Management", *Int. J. Sustainable Society*, Vol. 1, 2009, No. 3, p. 209.

15. Stephen C. McCaffrey, "The Harmon Doctrine One Hundred Years Later: Buried, Not Praised", *Nat. Resources J.*, Vol. 36(3), 1997, p. 549.

16. Austin J., "Canadian - United States Practice and Theory Respecting The International Law of International Rivers: A Study of the History and the Influence of the Harmon Doctrine", *Canadian Bar Review*, Vol. 31, 1959, p. 393; Also See: Barberis, J. A., "L'exploitation Hydro-Électrique Du Paraná Et L'accord Tripartite De 1979", (1986) *Annuaire Français De Droit International*, Vol. 32, pp. 16-18.

17. *Lake Lanoux Arbitration*, (France v. Spain), 1957.

18. Laylin John, Rinaldo G., & Bianchi L., "The Role of Adjudication in International River Disputes: The Lake Lanoux Case", *AJIL*, Vol. 53, 1959, No. 1, p. 30.

19. *Corfu Channel Case*, (United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v. Albania), 1949.

20. Reports of International Arbitral Awards, *Trail Smelter Case*, (United States v Canada). 1938-1941, pp.1905-1982, Available at: http://legal.un.org/riaa/cases/vol_III/1905-1982.pdf.

نحوی استفاده کند که مغایر با حقوق و منافع دولت‌های دیگر باشد.^{۲۱}

۲-۲. نظریه تمامیت مطلق سرزمینی^{۲۲}

بر اساس این نظریه، کشورهای ساحلی رودخانه‌ها نمی‌توانند تغییرات جدی در وضع طبیعی کشور خود ایجاد کنند، به طوری که سبب تغییرات و اثرات منفی مهمی در سایر کشورها شود زیرا این تغییرات بر تمامیت ارضی کشورهای پایین‌دست اثر خواهد گذاشت.^{۲۳} در چارچوب این نظریه، کشورهای پایین‌دست، حق تقاضای جریان طبیعی آب از لحاظ سرعت و کیفیت را از کشورهای بالادست دارند.^{۲۴} این نظریه در تضاد کامل با نظریه هارمون است چرا که نیازمند توافق قبلی کشورهای پایین‌دست برای هر گونه تغییر در رژیم آبراهه بین‌المللی است.

نظریه تمامیت سرزمینی مطلق، ناعادلانه است زیرا دولت پایین‌دست، مدعی حق جریان کاملی از آب است و می‌تواند با وتوی خود، هرگونه اقدام دولت بالادست خود را که می‌تواند در میزان و کیفیت آب نقش داشته باشد مختل کند.^{۲۵} به علاوه، «در شرایطی که اگر دولت پایین‌دست، استفاده بهینه‌ای از آب نداشته باشد؛ چون این عمل مسلماً منجر به ائتلاف این نوع منابع می‌شود»،^{۲۶} این عمل نامعقول و بی‌معنی خواهد بود. لذا هیچ‌یک از احکام داوری یا محاکم داخلی این نظریه را نپذیرفته است.^{۲۷}

۲-۳. نظریه حاکمیت یا تمامیت محدود سرزمینی

نظریه تمامیت محدود سرزمینی، مبتنی بر این فرض است که هر کشور ساحلی، حق بهره‌برداری از رودخانه‌های بین‌المللی جاری در کشور خود را دارد، به شرطی که این استفاده سبب وارد آمدن خسارت بر قلمرو سرزمینی دولت‌ها و کشورهای دیگر نشود. در این مورد، حاکمیت بر منابع

۲۱. موسوی، سیدفضل‌الله؛ حقوق رودخانه‌های بین‌المللی، دادگستر، ۱۳۸۹، ص ۱۳۰.

22. Absolute Territorial Integrity

23. G. Sauser-Hall, "L'utilisation Industrielle Des Fleuves Internationaux", in: *Hague Recueil*, Vol. 83, 1953, p. 481.

۲۴. موسوی؛ همان، ص ۱۳۳ و برای مطالعه بیشتر، ن.ک:

Sauser-Hall, *op.cit.*, p. 541.

۲۵. شیرازیان، شیرین و عطیه خطیبی؛ «حقوق بهره‌برداری غیرکشتی‌رانی از آبراه‌های بین‌المللی با نگاهی به توسعه پایدار»، پایباری، توسعه و محیط‌زیست، دوره دوم، شماره ۴، ۱۳۹۴، ص ۷۷.

26. Stephen C. McCaffrey, *The Law of International Watercourses*, Second Edition, Oxford University Press Inc., p. 18.

27. Laylin, *op.cit.*, pp. 30-49.

مشترک آب، نسبی و مشروط است.^{۲۸}

کلیه دول همجوار در بهره‌برداری از آبراه‌های مشترک، تکالیف و حقوق متقابلی دارند. این اصل بر این ایده استوار است که آبراه‌های بین‌المللی، منابع مشترکی هستند که موجب «اجتماع منافع مشترک» بین تمام دول ساحلی می‌شوند. وجود اجتماع منافع مشترک نیازمند تعادل «معقول و منصفانه» منافع دولت است که پاسخگوی نیازها و استفاده هریک از آن‌هاست.^{۲۹} این نظریه در حقوق بین‌الملل پذیرفته شده است. برای نمونه، دیوان دائمی دادگستری در سال ۱۹۲۹ پیرامون صلاحیت سرزمینی کمیسیون اُدر^{۳۰} تأیید کرد که «دولت‌ها از حق قانونی و مشترکی نسبت به منابع موجود در رودخانه‌های مشترک برخوردارند که فقط محدود به حق عبور نمی‌شود. اساسی‌ترین ویژگی حق مذکور، اجتماع منافع کلیه طرفین نسبت به بهره‌برداری از رودخانه [اُدر] و ممنوعیت امتیاز تبعیض‌آمیز هریک از دول همجوار در مقایسه با دیگران است».^{۳۱}

همچنین اصل مشابهی در رأی دیوان دادگستری درباره قضیه رودخانه میوز (بین بلژیک و هلند) و در رأی هیئت داوری در قضیه دلتای رودخانه هلمند اعلام شد.^{۳۲} در نهایت، در رأی مربوط به اختلاف میان فرانسه و اسپانیا در رابطه با بهره‌برداری از آب‌های دریاچه لانو در سال ۱۹۵۷ بر اصل مهم حمایت از منافع کلیه دول همجوار تأکید شد.^{۳۳} در این اختلاف، دیوان در قسمتی از رأی بیان داشت که دولتی که در قسمتی از قلمرو خود بر آبراه مذکور اقداماتی انجام می‌دهد باید منافع سایر دولت‌های ذی‌ربط را مدنظر قرار دهد. دولت بالادست به‌ویژه باید مطابق قواعد حسن‌نیت، رفع اختلاف موجود در منافع طرفین را مبنا قرار داده و خود را با آن انطباق و مصالح و منافع خود را با منافع سایر دولت‌های ذی‌نفع آشتی دهد.^{۳۴}

۲۸. حق‌شناس، نیلوفر و اصغر جعفری ولدانی؛ «طرح تغییر مسیر اروندرود و قواعد حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۱۲، ۱۳۸۷، ص ۲۴۸.

29. Brierly, J., *The Law of Nations*, Oxford, Oxford University Press, 2010, pp. 184-189.

30. Oder.

31. Soboka Bulto, Takele, "Between Ambivalence and Necessity Occlusions on the Path towards a Basin Wide Treaty in the Nile Basin", *Colorado Journal of International Environmental Law and Policy*, Vol. 20, 2009, p. 300.

۳۲. لووت و لوان اسمیت و سرفردریک جان گلدسمید؛ *آرای هیئت داوری ۱۹ اوت ۱۸۷۲ و ۱۰ آوریل ۱۹۰۵، متن آرای مندرج در سنت جان، لندن، پارس شرقی: روایتی از سفرهای کمیسیون مرزی پارس، جلد ۱، ۱۸۷۶، ص ۴۱۳.*

33. *Lake Lanoux Arbitration (France v. Spain)*, 1957.

34. Laylin, *op.cit.*, pp. 30-49.

۲-۴. نظریه منابع مشترک یا مدیریت مشترک (جامع منافع)^{۳۵}

برای ترویج تعادل «معقول و منصفانه» منافع دولت، روش مدیریت منابع آب شیرین بین‌المللی به نام نظریه منابع یا مدیریت مشترک ایجاد شد. این نظریه نه تنها به‌عنوان رویکرد جدید و متفاوت در مدیریت منابع آب در نظر گرفته شد، بلکه وسیله‌ای برای احیای مجدد اصل حاکمیت یا تمامیت محدود سرزمینی شد و تکلیف صریحی بر مشارکت فعال در توسعه و بهره‌برداری منطقی از منابع مشترک آب مقرر کرد.^{۳۶}

این نظریه بر این اصل استوار است که کلیه کشورهای ساحلی آبراهه بین‌المللی نسبت به آن حق حاکمیت مشترک دارند و آبراه بین‌المللی واحد اقتصادی محسوب می‌شود که منافع متعلق به تمام کشورهای ساحلی است.^{۳۷} مدیریت در این نظریه همراه با ایجاد سازکار بین‌المللی برای تدوین و اجرایی کردن سیاست‌های مشترک مدیریتی، حفاظتی و توسعه حوضچه آبریز در نظر گرفته می‌شود. این مدیریت که می‌تواند طبق معاهده ایجاد شود، خواهد توانست باعث تقویت وضعیت هنجاری حقوق بین‌الملل عرفی یا عمومی و قوانین مختلف دربردارنده تعهد به همکاری شود.^{۳۸}

مدیریت مشترک، بیش از اینکه اصل هنجاری حقوق بین‌المللی باشد، رویکرد مدیریتی مسائل آب است. این اصل مورد تأیید حقوق بین‌الملل است، به طوری که بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۹۷ نیویورک، فعالانه دول ساحلی آبراه‌های بین‌المللی را به «مشارکت منصفانه» که ارتباط نزدیکی با اجرای اصل استفاده منصفانه دارد، تشویق کرده است.^{۳۹} برای اجرایی کردن آن، ماده ۲۴ این کنوانسیون، ماهیت و محدوده نقش بالقوه‌ای را که توسط سازکارهای مشترک صورت می‌پذیرد نشان می‌دهد.^{۴۰}

۳. نظریه حاکم بر بهره‌برداری از رودخانه هریرود

از آنجا که دیدگاه حاکمیت مطلق سرزمینی در حمایت از دولت بالادست آبراهه بین‌المللی مؤثر است از زمان جدایی افغانستان از ایران، همواره مدنظر افغانستان بوده است. لازم به ذکر است

55. Community of interests

66. Schwabach, Aaron, "The United Nations Convention on the Law of Non-Navigational Uses of International Watercourses, Customary International Law, and the Interests of Developing Upper Riparians", *International Law Journal*, Vol. 33, 1998, p. 277.

37. McCaffrey, *op.cit.*, 1997, pp. 69-168.

38. انعقاد چنین معاهده‌ای نیازمند توافق داوطلبانه کشورهای ساحلی است. فقدان این توافق به دلایل مختلفی نظیر محدودیت‌های قانونی، علل سیاسی و اقتصادی، عدم قطعیت در توسعه و اجرایی کردن این اصل را به همراه خواهد داشت.
ن.ک:

McCaffrey, *op.cit.*, 2007, pp. 99-100.

39. Article 5(2), United Nations Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses, 1997.

40. *Ibid.*, Article 24.

مادامی که دو کشور در قالب یک واحد سرزمینی بودند هیچ دعوی سیاسی-حقوقی راجع به بهره‌برداری از رودخانه هریرود وجود نداشت و اختلافات حقوقی و سیاسی مدتی پس از جدایی افغانستان از ایران به وجود آمد.^{۴۱} همان‌گونه که بیان شد، از نظر مقررات حقوق بین‌الملل، این دیدگاه پذیرفته نیست. بنابراین دولت‌های حوضچه هریرود در حاکمیت بر این رودخانه باید تابع نظریه تمامیت محدود سرزمینی باشند که در حقوق بین‌الملل پذیرفته شده است. این دیدگاه مبتنی بر این فرض است که دولت‌های حوضچه هریرود، حق بهره‌برداری از رودخانه‌های بین‌المللی جاری در کشور خودشان را دارند به شرطی که این استفاده سبب وارد آمدن خسارت بر قلمرو سرزمینی سایر کشورها نشود. در این مورد، حاکمیت بر منابع هریرود، نسبی و مشروط است.

کلیه دول همجوار هریرود نسبت به بهره‌برداری از هریرود، تکالیف و حقوق متقابلی دارند. بدین ترتیب، اعمال متوازن حقوق و تکالیف همه دول، بهره‌برداری معقول و منصفانه را دربردارد.

۴. رژیم حقوقی هریرود

از آنجا که هریرود، آبراه بین‌المللی است، باید از رژیم حقوقی آبراه‌های بین‌المللی تبعیت کند. در ابتدا اصلی‌ترین کارکرد اقتصادی آبراه‌های بین‌المللی، کشتی‌رانی بود اما امروزه مسائل مربوط به استفاده منابع آب برای مقاصد غیرکشتی‌رانی از قبیل [بدون قید حصر] ساختن سد، کشاورزی، آبیاری، زهکشی، تخلیه فضولات کشاورزی، صنایع شیلات و ماهی‌گیری، تولید انرژی، صنایع ساختمانی، حمل‌ونقل الوار، تخلیه پس‌مانده‌های صنعتی، استفاده برای صنایع معدنی، مصارف خانگی نیز مطرح است.^{۴۲} بنابراین سدسازی در زمره استفاده‌های غیرکشتی‌رانی از آبراه‌های بین‌المللی می‌گنجد.

در این خصوص، اعلامیه راجع به استفاده صنعتی و کشاورزی رودهای بین‌المللی، مصوب ۲۴

۴۱. موسی‌زاده، رضا و مرتضی عباس‌زاده؛ «ابعاد حقوقی بهره‌برداری از رودخانه هیرمند توسط ایران و افغانستان»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۳، ۱۳۹۵، صص ۱۶۹-۱۶۸.

۴۲. کیس الکساندر، پیتر سند اچ و وینفراید لانگ؛ حقوق محیط‌زیست، ترجمه: محمدحسن حبیبی، چاپ چهارم، دانشگاه تهران، جلد ۳، ۱۳۹۲ ص ۷۹.

شایان ذکر است که دولت‌های آبراهی، برای بهره‌برداری از آبراه‌های مشترک، معاهداتی را به تصویب رسانده‌اند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

موافقت‌نامه همکاری میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت اتحاد جماهیر سوسیالیستی در امر احداث و بهره‌برداری تأسیسات آبی خداآفرین و قیزقلعه‌سی بر روی رودخانه مرزی ارس، مصوب ۱۳۶۸/۰۳/۱۱؛ معاهده لیسبون بین اسپانیا و پرتغال در خصوص رود دوترو، ۱۱ اوت ۱۹۲۷؛ معاهده آلمان، فرانسه و لوکزامبورگ در خصوص رود موزل، ۲۷ اوت ۱۹۵۶؛ معاهده هندوستان و پاکستان در خصوص رود/یندوس، ۱۹ سپتامبر ۱۹۶۰؛ معاهده برازیلیا در خصوص رود آمازون، ۳ ژوئیه ۱۹۷۸.

دسامبر ۱۹۳۳ در *موتته ویدئو* صادره از هفتمین کنفرانس بین کشورهای امریکا، گامی به سوی تنظیم فعالیت‌های غیرکشتی‌رانی به‌ویژه حقوق سایر دولت‌های آبراهی بود.^{۴۳} مطابق بند ۲ این اعلامیه، هر دولت ساحلی می‌تواند از حاشیه آب‌های رودخانه بین‌المللی واقع در سرزمین‌اش بهره‌برداری کند به شرط اینکه به حق سایر کشورهای ساحلی لطمه نزند.

با تدوین قطعنامه مؤسسه حقوق بین‌الملل در ۱۹۶۱ *سالزبورگ* راجع به «استفاده‌های غیرکشتی‌رانی از آب‌های بین‌المللی غیردریایی»،^{۴۴} گام بعدی در زمینه حقوق و تکالیف دولت‌های آبراهی برداشته شد.^{۴۵} این قطعنامه بیش از هر چیز بر اصل «منع استفاده زیان‌بار از سرزمین» و اصل «استفاده معقول و منصفانه» از آبراه‌های بین‌المللی تأکید دارد. همچنین این قطعنامه در صورت اختلاف راجع به نحوه بهره‌برداری از منابع واقع در آبراه‌های بین‌المللی مشترک، بر اصل «انصاف» تأکید می‌ورزد.

گام بعدی در توسعه حقوق و تکالیف دولت‌های آبراهی با تدوین مجموعه «مقررات هلسینکی»^{۴۶} توسط *انجمن حقوق بین‌الملل* در ۱۹۶۶ برداشته شد. مطابق ماده ۱۰ این مجموعه مقررات، هر دولت باید با رعایت «اصل بهره‌برداری منصفانه» از ورود خسارت به دولت‌های دیگر جلوگیری کند. بند ۲ این ماده بر کاهش آلودگی آبراه‌های بین‌المللی تأکید و دولت‌های مربوط را ملزم می‌کند تا با به‌کارگیری سازکارهای لازم، نه‌تنها از پدید آمدن آلودگی‌های جدید جلوگیری کنند، بلکه آلودگی‌های موجود را نیز کاهش دهند.

تلاش‌های مؤسسه حقوق بین‌الملل در کنوانسیون ۱۹۹۷ به نحوی برجسته جلوه‌گر شده است. این کنوانسیون از جمله منابع الزام‌آور در مورد آبراه‌های بین‌المللی است که موارد قابل توجهی را مطرح می‌کند. از جمله آن‌ها می‌توان اصل «بهره‌برداری منصفانه و معقول از منابع» و اصل «منع آسیب مهم» را ذکر کرد. در مجموع می‌توان اذعان کرد که دولت‌های حوضچه هریرود در بهره‌برداری غیرکشتی‌رانی از رودخانه مزبور باید اصول اطلاع‌رسانی، بهره‌برداری معقول و منصفانه و منع آسیب مهم را در قبال یکدیگر رعایت کنند.

۵. تعهد دولت‌های حوضچه هریرود به اطلاع‌رسانی

تعهد به وظیفه اطلاع‌رسانی و هشدار دادن در صورت وقوع حوادث زیان‌بار زیست‌محیطی یکی از اصول زیست‌محیطی است که باید در اجرای پروژه‌های سدسازی از سوی دولت‌های آبراهی

43. *Legal Problems Relating to the Utilization and Use of International River- Report by the Secretary-General*, See A/5409, Extract from the Yearbook of the International Law Commission (YILC), 1974, vol. II(2), p. 212.

44. Utilization of Non-Maritime International Waterways (Except for Navigation), 1961.

45. YILC, 1961, *op. cit.*, p. 233.

46. The Helsinki Rules on the Uses of the Waters of International Rivers, 1966.

اعمال شود. این اصل به کشور آبراهی در معرض خطر زیست‌محیطی امکان می‌دهد که موجودیت خود را حفظ و از منافع خود در بهره‌گیری از محیط‌زیست سالم، حمایت کند. به‌موجب ماده ۱۲ کنوانسیون ۱۹۹۷ نیویورک، قبل از اینکه کشور حاشیه آبراه، اقدامات برنامه‌ریزی‌شده‌ای را که ممکن است اثر زیان‌باری برای سایر کشورهای حاشیه آبراه به دنبال داشته باشد اجرا کند یا اجرای آن‌ها را اجازه دهد، متعهد است که به‌موقع موضوع را به اطلاع کشورهای مذکور رسانده و اطلاعات و داده‌های فنی را به منظور ارزیابی پیامدهای احتمالی اقدامات مذکور برای کشورها فراهم کند.^{۴۷}

در همین راستا تضمینات گسترده‌ای نسبت به اطلاع‌رسانی عمومی در ماده ۱۶ کنوانسیون هلسینکی در مورد حفاظت و استفاده از آبراه‌های فرامرزی و دریاچه‌های بین‌المللی^{۴۸} و کنوانسیون حقوق استفاده از آبراه‌های بین‌المللی برای مقاصد غیرکشتی‌رانی ۱۹۹۷ پیش‌بینی شده است که از آن جمله مواد ۱۳ و ۱۴ کنوانسیون ۱۹۹۷ نیویورک، مهلت شش ماهه‌ای را برای انجام مشاوره جهت بررسی و قابلیت اجرای پروژه طرح‌ریزی‌شده در نظر می‌گیرد و این مشاوره باید بدون توافق دولت اعلام‌کننده پیگیری شود. به‌موجب بند ۱ ماده ۱۷ کنوانسیون مزبور نیز در صورت وجود اعتراض، انجام مذاکره تا رسیدن به نظر قابل قبول و اتخاذ تصمیم برای وضعیت پیش‌آمده اجتناب‌ناپذیر خواهد بود و بنا به پیشنهاد دولتی که تحت تأثیر اثرات آن پروژه واقع می‌شود، اجرای پروژه باید به مدت ۶ ماه به حالت تعلیق درآید؛ هرچند که لازم نیست دولت پیشنهاددهنده عمل تعلیق، این شروط را کاملاً بپذیرد.

تعهد به اطلاع‌رسانی در رویه بین‌المللی نیز شناخته شده است. در دعوای تنگه کورفو بین آلبانی و انگلستان،^{۴۹} دیوان بین‌المللی دادگستری بیان می‌دارد: «آلبانی موظف بود ناخدای

۴۷. اطلاعات ممکن است در خصوص اجرای طرح‌ها و فعالیت‌های زیست‌محیطی باشد. امکان دارد با درخواست دریافت اطلاعات از سوی فرد یا گروه‌ها و مجامع غیردولتی باشد. در این صورت، دولت ملزم به ارائه اطلاعات کامل، شفاف، قابل فهم به گونه‌ای است که همگان توانایی درک و تجزیه و تحلیل آن را داشته باشند و نه فقط کارشناسان. همچنین دسترسی به اطلاعات باید به آسان‌ترین شیوه ممکن انجام شود. افراد، حق دسترسی آزادانه و با کمترین هزینه به اطلاعات و داده‌های زیست‌محیطی را دارند. ن.ک: احمد محسن‌زاده و دیگران؛ حقوق بین‌الملل محیط‌زیست: نظریه‌ها و رویه‌ها، خرسندی، ۱۳۸۹، صص ۴۳۱-۴۲۹.

۴۸. Helsinki Convention on the Protection and Use of Transboundary Watercourses and International Lakes, 1992.

۴۹. Corfu Channel (United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v. Albania), ICJ Reports, 1949, p. 22.

این اختلاف مربوط به جلوگیری از عبور کشتی‌های جنگی انگلیس از تنگه کورفو بود. انگلستان که خواستار تأکید بر حق عبور از تنگه‌های بین‌المللی بود، بدون رعایت مقررات دولت آلبانی که مستلزم کسب اجازه قبلی بود یک واحد دریایی را مأمور عبور از تنگه کورفو کرد. این عبور منجر به ورود خسارت به کشتی‌های انگلیسی در حین عبور از تنگه کورفو بر اثر برخورد این کشتی‌ها با مین در آب‌های آلبانی شد.

کشتی‌های جنگی انگلیس را هنگامی که به آب‌های سرزمین خود نزدیک می‌شدند از وجود خطر قریب‌الوقوع میدان مین در این حوزه آگاه سازد». این الزامی که دیوان بر آن تکیه می‌کند برگرفته از حق تعیین‌شده برای عموم و از تعهدات معروف حقوق اولیه بشر است که باید مراعات شود. در جهت رعایت موارد مشابه می‌توان گفت تعهد به اطلاع‌رسانی نسبت به خطراتی که ممکن است محیط‌زیست کشوری را تحت تأثیر قرار دهد به‌عنوان وظیفه به دولت‌ها تکلیف شده است.

این تعهد به‌عنوان وظیفه در حقوق عرفی هم توسعه یافته است. برای نمونه در قضیه دریاچه لانو (اختلاف بین اسپانیا و فرانسه، ۱۹۵۷)^{۵۰} محکمه دآوری اظهار کرد که به‌موجب معاهده بایون،^{۵۱} فرانسه ملزم بود تا در مورد ساختن سد به اسپانیا اطلاع دهد. اگرچه محکمه دآوری هرگز به این موضوع نپرداخت که آیا وظیفه اطلاع‌رسانی بدون در نظر گرفتن معاهده بایون مطرح می‌شود، محققان حقوق بین‌الملل به اتفاق تردید نکردند که وظیفه اطلاع‌رسانی به‌عنوان قاعده عرفی حقوق بین‌الملل، هنگامی که فعالیت متناسب به دولت‌ها، حامل خطر زیان‌بار زیست‌محیطی عمده مرزگذر باشد در مورد دولت‌ها اعمال می‌شود.^{۵۲}

00. *Lake Lanoux Arbitration (France v. Spain)*. 12 R.I.A.A 281. 24L.L.L.R.101. Arbitral Tribunal. November 16, 1957.

دریاچه لانو در فرانسه قرار دارد. از این دریاچه نهری به نام کارول منشعب، به دو بخش تقسیم و بخشی در زمین‌های فرانسه و بخشی در زمین‌های اسپانیا جاری می‌شود. دولت فرانسه به منظور ایجاد یک مرکز هیدروالکتریکی تصمیم گرفت که قسمتی از این آب‌ها را به سمت آریژ (L'Ariège) منحرف و با ساختن سد، برنامه خود را عملی سازد. فرانسه در برابر اسپانیا متعهد شد که معادل آب‌هایی را که در این طرح به‌کار می‌گیرد از طریق دیگر به رودخانه کارول برگرداند. اما اسپانیا با این اقدام فرانسه مخالفت می‌کرد و معتقد بود که فرانسه نمی‌تواند بدون موافقت کشورهای ساحلی رودخانه در سرزمین خود به اقدامی دست بزند که مخالف با حقوق کشورهای مجاور باشد. ن.ک: سید فضل‌اله موسوی، سیدحسین حسینی و سیدحسین موسوی‌فر؛ «اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در پرتو آرای مراجع حقوقی بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۷، شماره ۴۸، ۱۳۹۴، ص ۵.

در نهایت، توافقی‌نامه‌ای برای ارجاع امر به دآوری به تاریخ ۱۹ نوامبر ۱۹۵۶ در مادرید امضا شد. طبق توافق مادرید از دیوان سؤال شد: آیا فرانسه با اقدام یکجانبه و بدون توافق قبلی دو دولت، از معاهده بیروت، ۲۶ مه ۱۹۵۶ در خصوص مرز بین دو کشور و نحوه استفاده از منابع آبی مشترک تخطی نکرده است؟

دیوان دآوری راه‌حل قضیه را در مفهوم حاکمیت ملی جستجو کرد. از نظر دیوان، دولت فرانسه که آب‌های مورد بحث در سرزمین‌اش جاری است دارای تمامی حقوق از جمله حق اقدام یکجانبه است. بدین ترتیب دیوان اعلام می‌کند: «حق حاکمیت، نقش پیش‌فرض را بازی می‌کند اما دولت در جایی که به‌موجب تعهدات بین‌المللی مجبور باشد به‌گونه‌ای خاص عمل کند نمی‌تواند به حق حاکمیت‌اش استناد نماید».

51. Bayonne Convention, 1808.

معاهده مربوط به تعیین حدود مرزی از مصب بی داسوا تا نقطه مرزی (تلاقی) بخش بی‌رینه سفلی، آراگون و نور.

52. Michael Bothe, "Transfrontier Environmental Management", in: *Trends in Environmental Policy and Law*, M. Bothe (Project Coordinator), 1980, pp. 391-394.

اما مهم‌ترین خاستگاه توجه به اصل اطلاع‌رسانی در قضیه کارخانه خمیر کاغذ^{۵۳} (دعوی آرژانتین - اروگوئه ۲۰۱۰)^{۵۴} نمایان شد و آن هنگامی بود که طرفین به موجب انعقاد اساسنامه‌ای

۵۳. شایان ذکر است که دعوی آرژانتین علیه اروگوئه که در مجاورت رودخانه مرزی اروگوئه است از جمله موارد مربوط به رودخانه‌های مرزی مجاوری است که رژیم توافقی و خاص دارد. این رژیم با معاهده‌ای در ۱۹۷۵ و متعاقب آن با تصویب اساسنامه‌ای در ۱۹۷۵ بین دو کشور تنظیم شده است. بر این مبنای اساسنامه مذکور ضمن ایجاد رژیم خاص، نهادی به نام کمیسیون مشترک رودخانه اروگوئه را نیز تشکیل داده است. با این وصف، اختلاف مطروحه، مبنایی زیست‌محیطی و مرتبط با رژیم حقوقی این رودخانه دارد.

در رابطه با اساسنامه آن (۱۹۷۵) نیز باید گفت بین دو کشور به دلیل اینکه ویژگی‌های سند بین‌المللی را دارد، معاهده‌ای بین‌المللی قلمداد می‌شود. اما به سبب تأسیس کمیسیون بین‌المللی مشترک و رژیم حقوقی ویژه بین دو کشور نامبرده و ویژگی منحصر به فرد آن، عنوان اساسنامه (Statute) را دارد و دیوان نیز از این اصطلاح در رأی خویش استفاده کرده است. این اساسنامه در راستای اجرای مقررات ماده ۹ معاهده مرزی بین دو کشور که در ۱۹۶۱ انعقاد یافت تنظیم شده است و دو کشور به وسیله معاهده مزبور، سازکار مشترکی را برای استفاده بهینه و معقول از رودخانه اروگوئه تدوین کرده بودند. ن.ک: موسوی و دیگران؛ همان، ص ۳.

برای ملاحظه این اساسنامه، ن.ک:

Estatutos del Rio Uruguay (Statute of the River Uruguay), Signed at Salto on Feb. 26, 1975, entered into force: 18 Sept., 1976.

54. Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay).

این اختلاف، ریشه در ۱۹ اکتبر ۲۰۰۳ دارد. در این تاریخ، دولت اروگوئه به‌طور یکجانبه مجوز ساخت یک کارخانه خمیر کاغذ را در ۳۰ کیلومتری شهر آرژانتینی گالگوآچو به شرکتی اسپانیایی با نام *Empresa Nacional de Celulosos do Espana* اعطا کرد. پس از این اقدام، دولت اروگوئه در ۱۴ فوریه ۲۰۰۵ در عملی مشابه، مجوزی را برای ساخت کارخانه‌ای دیگر به نام اورین (Orion) که شرکتی فنلاندی بود صادر کرد. این کارخانه در منطقه‌ای به فاصله ۷ کیلومتر از کارخانه پیشین، مجوز ساخت گرفت. در همین راستا، با موافقت دولت اروگوئه با ساخت بندری در بوتنیا (Botnia) در تاریخ ۵ ژوئیه ۲۰۰۵، اختلاف دو کشور آرژانتین و اروگوئه به مرحله جدیدی وارد شد. دو طرف، راه‌های مختلفی را برای حل‌وفصل اختلاف‌هایشان برگزیدند، مانند میانجیگری پادشاه اسپانیا که به شکست انجامید. از دیگر اقدامات، طرح قضیه در مراجع منطقه‌ای همچون طرح نقض هنجارهای زیست‌محیطی بین‌المللی از سوی آرژانتین علیه اروگوئه در کمیسیون امریکایی حقوق بشر و اقدام اروگوئه درباره طرح موضوع انسداد پل‌های ارتباطی بین دو کشور در دادگاه دآوری ویژه مرکوسور بود که به نتیجه‌ای نرسید. ن.ک: موسوی و دیگران؛ همان، ص ۲.

در نهایت، کشور آرژانتین در ۴ مه ۲۰۰۶ پس از گذراندن مراحل مختلف قضایی و سیاسی برای حل‌وفصل اختلاف‌هایش با اروگوئه، با پذیرش صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص اختلاف‌های مربوط به تفسیر یا اجرای معاهده (معاهده ۷ آوریل ۱۹۶۱ مونته‌ویدئو) و انتهای ماده ۶۰ اساسنامه ۱۹۷۵ رودخانه اروگوئه که بیان کرده است: «اختلافات مربوط به تفسیر یا اجرای معاهده و اساسنامه که از طریق مذاکره حل‌وفصل نشوند توسط احد طرفین قابلیت طرح در دیوان بین‌المللی دادگستری را دارد»، دعوی پیرامون نقض تعهدات این کشور از معاهده بین دو کشور، موسوم به اساسنامه رودخانه اروگوئه ۱۹۷۵ در دیوان بین‌المللی دادگستری اقامه کرد. نقض‌های ادعایی حاوی نقض تعهدات شکلی و ماهوی از اساسنامه بین دو کشور و برخی از اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به سبب مخاطرات احتمالی ناشی از راه‌اندازی دو کارخانه خمیر کاغذ نزدیک رودخانه مرزی بود. از نظر آرژانتین، اروگوئه معاهده بین دو کشور را نقض کرده است زیرا بر اساس این معاهده اروگوئه متعهد بود قبل از اجرای طرح، با آرژانتین مشورت کند و این در حالی بود که اقدامات اروگوئه با تغییر کیفیت آب رودخانه و لطمات زیست‌محیطی بسیاری همراه بود. آرژانتین خواستار آن شد که دیوان به دلایل زیر، نقض معاهده ۱۹۷۵ از سوی اروگوئه، مسئولیت بین‌المللی این کشور، توقف اقدامات نادرست و جبران خسارات وارده به آرژانتین را اعلام دارد: تعهد به اتخاذ تمامی اقدامات ضروری برای استفاده منصفانه و معقول از رودخانه اروگوئه.

در خصوص حفظ تعادل زیست‌محیطی رودخانه مرزی فیما بین، یعنی رودخانه اروگوئه در ۱۹۷۵ و متعاقب آن، تشکیل کمیسیون مشترک، متعهد به بهره‌برداری مفید و اطلاع‌رسانی به طرف مقابل شده بودند. در همین حال، به زعم دیوان، اروگوئه برای احداث دو آسیاب و یک کارخانه خمیر در حاشیه رودخانه مورد توافق که در حال تکمیل بود از طریق کمیسیون مشترک به تعهد اطلاع‌رسانی خویش به طرف مقابل (آرژانتین) عمل نکرده است.

درباره این حکم که دومین رأی در حوزه محیط‌زیست بین‌الملل است و مقررات و رویه‌ای درباره‌اش وجود دارد، انتقادات جدی مطرح است. در عین حال، این رأی، سهم ارزنده‌ای در توسعه و تدوین حقوق بین‌الملل محیط‌زیست از یک سو و حل‌وفصل مسألت‌آمیز اختلافات بین‌المللی و جلوگیری از مخاصمه‌ای منطقه‌ای داشته است.

بنابراین هریک از دولت‌های حوضچه هریرود به‌موجب اصل اطلاع‌رسانی وظیفه دارند قبل از احداث تأسیسات آبی، سایر دولت‌ها را مطلع کنند تا آن‌ها خطرات احتمالی را ارزیابی کنند و با همکاری و مشارکت در راستای کاهش این خطرات زیست‌محیطی گام بردارند.

۶. تعهد دولت‌های حوضچه هریرود به بهره‌برداری معقول و منصفانه در احداث تأسیسات آبی

ممکن است در رودخانه‌های مرزی، ایجاد تأسیساتی فنی یا اقتصادی از سوی کشور مجاور، برای کشور مجاور دیگر زیان‌هایی در پی داشته باشد.^{۵۵} بر اساس این اصل، هدف، رسیدن به بهره‌برداری منصفانه آب‌هاست.

تعهد به انطباق با رویه پیش‌بینی‌شده در معاهده ۱۹۷۵. تعهد به اتخاذ تمامی اقدامات ضروری برای حفظ محیط‌زیست حوضچه، جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست، تعهد به حمایت از تنوع زیستی و ماهی‌گیری شامل تعهد به انجام مطالعه تأثیرات زیست‌محیطی طرح. تعهد به همکاری مشترک برای جلوگیری از آلودگی زیست‌محیطی و حفاظت از تنوع زیستی و ماهی‌گیری. پس از اعلام صلاحیت دیوان و شروع رسیدگی ماهوی که همراه با مجادله‌های متعدد و ادعاها و دفاعیات و ارائه شواهد و دلایل گوناگون فنی و حقوقی بود، سرانجام دیوان در ۲۰ آوریل ۲۰۱۰ دومین رأی توافقی زیست‌محیطی خود پس از قضیه سد (موضوع اختلاف کشورهای مجارستان و اسلواکی در ۱۹۹۷) را صادر کرد. دیوان در رأی اعلام کرد دولت اروگوئه در زمان توسعه طرح‌های ساخت کارخانه‌ها در مجاورت رودخانه اروگوئه، تعهدات شکلی خود را در همکاری با دولت آرژانتین و تشکیل کمیسیون اداری رودخانه اروگوئه، مندرج در معاهده ۱۹۷۵ نقض کرده است. همچنین اقدام دولت اروگوئه در صدور مجوز ساخت کارخانه‌ها را ناقض تعهدات ماهوی این دولت در زمینه حفاظت از محیط‌زیست ندانست و با اتفاق آراء، سایر درخواست‌های طرفین را مردود شمرد. همچنین آرژانتین خواستار اتخاذ اقدامات موقت دیوان شده بود که دیوان در ۲۳ ژانویه ۲۰۰۷ نپذیرفت. ن.ک:

ICJ, *Pulp Mills on the River Uruguay. (Argentina v. Uruguay)*. 10 April, 2010.

۵۵. موسوی؛ همان، ۱۳۸۹، صص ۱۳۶-۱۳۵.

مفهوم تعهد به بهره‌برداری معقول و منصفانه در مواد ۴ و ۵ مقررات هلسینکی گنجانده شده است. مضمون ماده ۴ به قرار زیر است:

«هر دولت حوضچه آبگیر، در قلمرو خود محقق است که نسبت به امتیازات استفاده از آب‌های حوضچه بین‌المللی، منصفانه مشارکت داشته باشد».

مطابق این ماده، حق مشارکت معقول و منصفانه در هر مورد در چارچوب شرایط ذی‌ربط تعیین خواهد شد. برای این منظور، ماده مورد نظر، فهرستی غیرحصری از شرایطی را تعیین می‌کند که می‌توانند مورد توجه واقع شوند. این فهرست به سه نوع عامل توجه کرده است:

عوامل طبیعی: جغرافیای حوضچه آبگیر، به‌ویژه توزیع آب‌های سطحی دولت‌های ذی‌ربط، آب‌شناسی حوضچه و روابط آبی هریک از کشورهای ذی‌ربط، آب و هوا.

داده‌های تاریخی: استفاده‌های گذشته به‌ویژه استفاده‌هایی که تا کنون ادامه دارد.

ضرورت‌های اقتصادی و اجتماعی: نیازهای هریک از کشورهای ذی‌ربط، امکان توسعه با منابع جایگزین و هزینه این جایگزینی، ضرورت به‌حداقل‌رساندن ائتلاف منابع.

تعهد به بهره‌برداری معقول و منصفانه که در ماده ۴ مقررات هلسینکی و ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۹۷ نیویورک در زمینه بهره‌برداری‌های غیرکشتی‌رانی از آبراه‌های بین‌المللی مورد اشاره قرار گرفته نیازمند تدقیق و تحلیل است. این تعهد به‌هیچ‌وجه به این معنی نیست که گستره بهره‌برداری یا مشارکت برای هر کشور، یکسان و مشابه خواهد بود. این گستره با عنایت به عوامل مذکور در ماده ۵ مقررات هلسینکی و ماده ۶ کنوانسیون ۱۹۹۷ تعیین خواهد شد و در سایه شرایط ویژه آبراه مورد نظر ارزیابی می‌شود.

به‌علاوه اشاره به بهره‌برداری منصفانه بدین معناست که این حق باید به گونه‌ای مشخص شود که برای هر دولت (در اینجا افغانستان، ایران و ترکمنستان) حداکثر منفعت و حداقل زیان را به بار داشته باشد. بهره‌برداری منصفانه به «مزایا» اشاره دارد. این سؤال مطرح می‌شود که منظور از مزایا چیست؟ مطابق تفسیر ماده ۴ مقررات هلسینکی برای اینکه عملی دارای مزایا معرفی شود باید به لحاظ اقتصادی یا اجتماعی مفید باشد. این از یک سو به این معناست که استفاده‌ای که هیچ فایده‌ای برای دولت نداشته و خیری به آن نمی‌رساند، شایسته نیست که چنین عنوانی داشته باشد. از سوی دیگر نباید لزوماً به فعالیت مؤثرتر در سطح اقتصادی ترجیح داده شود و کافی است که آن استفاده با عنایت به سطح اقتصادی و فناوری دولت ذی‌ربط مؤثر باشد. این بدین معنی است که استفاده اجتماعی یک فعالیت می‌تواند بر مزایای اقتصادی آن رجحان داشته باشد.

تعهد مذکور در ماده ۴ مقررات هلسینکی و ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۹۷ نیویورک، به توزیع منابع طبیعی بین دولت‌ها به «اصول منصفانه» متمایل است. مطابق این اصول که جزئی از حقوق بین‌الملل موضوعه است، برابری مترادف انصاف نیست. تنها وضعیت‌های مشابه، شایسته برخورد

مشابه هستند. یعنی لزوماً انصاف به معنی بهره‌برداری برابر دولت افغانستان، ایران و پاکستان از هریرود نیست. لذا در پرتو ماده ۴ مقررات هلسینکی و ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۹۷ نیویورک باید شرایط خاص هریک از سه کشور مزبور را مطالعه کرد. از این طریق است که نتیجه منصفانه مورد جستجو ظاهر می‌شود.

علاوه بر «منصفانه‌بودن»، بهره‌برداری هر دولت آبراهی باید «معقول» هم باشد. این صفت به چه معناست؟ در نگاه اول این صفت می‌تواند مترادفی برای «منصفانه» باشد: امری که منصفانه است لزوماً معقول هم هست و بالعکس. لیکن این تفسیر با قاعده موسوم به اثر مفید برخورد پیدا می‌کند: اگر این واژه همان مفهوم منصفانه را داشته چرا واژه معقول اضافه شده است؟

تفسیری به نظر صحیح می‌رسد که طبق آن صفت «معقول» می‌تواند مشتمل بر معنی «عاقلانه» باشد؛ یعنی کافی نیست که تقسیم منصفانه باشد بلکه باید مطمئن شد که مجموع موارد بهره‌برداری از آبراه، امتیازات اساسی برای دولت‌های ذی‌ربط را فراهم می‌کند. این تفسیر، گذشته از قاعده اثر مفید، بر مجموعه‌ای از رژیم‌های کنوانسیون تکیه دارد که بر بهره‌برداری «عاقلانه»، «ایده‌آل» یا «به بهترین وجه ممکن» تأکید می‌کند. به علاوه در بند (ب) ماده ۵ مقررات هلسینکی که به فاکتورهای بهره‌برداری منصفانه و معقول اشاره می‌کند، ضرورت اجتناب از هرگونه اتلاف بی‌مورد ذکر شده است.

در صورتی که در چارچوب استفاده معقول، آسیب‌های مهمی به پایین‌دست وارد آید، این آسیب‌ها مشروع تلقی نمی‌شود و دولت آبراه ساحلی نباید فعالیت‌های معقولش بیش از حق استفاده منصفانه‌اش باشد. یعنی در اینجا اولویت به استفاده منصفانه داده شده است.

برای ترجیح یک وضعیت بر وضعیت دیگر، مجموعه‌ای از عوامل دخیل هستند. برای نمایش بهتر عوامل مختلف، *انجمن حقوق بین‌الملل* در تفسیر خود بر ماده ۵ مقررات هلسینکی، وضعیت فرضی را تصور کرده است که در ذیل بررسی می‌شود.

فرض مذکور از این قرار است که دولت پایین‌دست A از آب‌های آبراه مشترک با دولت بالادست B، برای سال‌های متمادی برای اهداف آبیاری استفاده کرده است. در این حال، دولت B اراده خود را برای ساخت تأسیساتی بر همان رودخانه برای تولید انرژی الکتریکی به اطلاع دولت A می‌رساند. دو فعالیت یادشده به لحاظ عملی قابل جمع با یکدیگر نیستند. چگونه می‌توان این مشکل را حل کرد؟ اگر وضعیت بدین‌گونه باشد که در خصوص دولت A: الف) بهره‌برداری برق‌بایی، لزوماً به فعالیت‌های آبیاری پایان نمی‌دهد بلکه دولت A را مجبور می‌کند که از روش‌های کارآمدتری استفاده کند. در عین حال، این روش‌ها به دولت A امکان نمی‌دهد که همان سطح تولید سابق را داشته باشد. ب) با وجود این، دولت A این امکان را دارد

که به جای مواد غذایی که نمی‌تواند تولید کند، با قیمتی تقریباً مشابه، این مواد را از جایی دیگر تهیه کند. ج) اخیراً در سرزمین دولت A حجم قابل توجهی از آب‌های زیرزمینی کشف شده است و در خصوص دولت B: الف) تولید انرژی الکتریکی برای این دولت تأثیر فوق‌العاده زیادی خواهد داشت و ب) بسیاری از افراد از این فعالیت جدید بهره‌مند می‌شوند.

تحلیل سنتی این وضعیت، برتری را به مورد استفاده کنونی یعنی فعالیت‌های آبیاری دولت A می‌دهد؛ در حالی که طبق ماده ۵ مقررات هلسینکی، «استفاده‌های موجود، تنها یک عامل در بین عوامل دیگر به شمار می‌رود. در پرونده حاضر، سه ملاحظه دیگر، کفه را به سمت دولت B سنگین خواهد کرد:

الف) به‌طور کلی سودآورترین استفاده از آبراه برای این دولت، تولید انرژی الکتریکی است. ب) دولت A امکان جایگزینی را در اختیار دارد؛ خواه از طریق خرید تولیدات کشاورزی، خواه از طریق ارتقای نظام آبیاری اش یا خواه از طریق استفاده از آب‌های زیرزمینی اش. ج) برای تولید انرژی برقی در جای دیگر، دولت B باید به گونه‌ای ملموس، قیمت بالاتری پرداخت کند.

با وجود این، می‌توان برای حمایت از منافع دولت A از برخی راهکارها استفاده کرد: مانند محدود کردن فعالیت‌های مجاز دولت B، اعطای مبالغی به دولت به گونه‌ای که به وی اجازه دهد سیستم آبیاری خود را ارتقا دهد یا پرداخت غرامت به این دولت برای جبران زیانی که قطع فعالیت‌های آبیاری اش به وی وارد می‌کند.

به‌طور خلاصه، بهره‌برداری منصفانه و معقول با مزایای بهره‌برداری از آب‌ها ارتباط می‌یابد. اگر این استفاده راجع به استفاده از آب (برای نمونه آبیاری) باشد، به‌صورت حجم آب تخصیصی مورد توجه قرار می‌گیرد (نظیر رود نیل). اگر استفاده از آب این‌گونه نباشد و مثلاً تولید انرژی مدنظر باشد، بهره‌برداری مزبور به‌صورت زمان استفاده مورد توجه قرار می‌گیرد.

اما آنچه در مواد مذکور دیده نمی‌شود، ترتیبات خاص اجرایی است. به تعبیر دیگر، شیوه‌ای برای اندازه‌گیری و توزیع بهره‌برداری منصفانه معقول با کمک این ترتیبات وجود ندارد. سه شیوه برای این امر پیش‌بینی شده است:

- ۱- نخستین شیوه، تقسیم مناطق یا بخش‌هاست. معاهده ۱۹ سپتامبر ۱۹۶۰ در خصوص آب‌های/یندوس،^{۵۶} آبراه‌های شرقی را به هند می‌دهد و آبراه‌های غربی را به پاکستان.
- ۲- شیوه دوم، شیوه چرخشی یا نوبتی است. حق استفاده مشخص برای مدت مشخص به یکی از دولت‌ها داده می‌شود و پس از انقضای این مدت، این استفاده به دولت مقابل

واگذار می‌شود. سند نهایی تحدید حدود مرزی پیرنه، ۱۱ ژوئیه ۱۸۶۸^{۵۷} این شیوه را برگزیده است.

۳- شیوه سوم، مشتمل است بر تقسیم کردن موارد استفاده یا دبی آبراه. توافق ۸ نوامبر ۱۹۵۹ در خصوص استفاده از آب‌های نیل،^{۵۸} بر اساس تقسیم دبی است. تقسیم انرژی تولیدشده در کنوانسیون فرانسه- سوئیس، ۴ اکتبر ۱۹۱۳ در خصوص تنظیم نیروی هیدروالکتریک رود رن^{۵۹} پیش‌بینی شده است. در همین ارتباط می‌توان به کنوانسیون ۱۹ نوامبر ۱۹۳۰ بین فرانسه و سوئیس در مورد استفاده هیدروالکتریک از رود دوب^{۶۰} و کنوانسیون ۲۹ ژانویه ۱۹۶۳ در ارتباط با تنظیم امور آبراه‌های فوقانی رود گارون بین اسپانیا و فرانسه^{۶۱} اشاره کرد. درباره رودهای مرزی بهره‌برداری نصف - نصف موارد استفاده، دبی یا انرژی تولیدشده بسیار شایع است.^{۶۲}

این شیوه‌های تقسیم می‌توانند با هم ادغام شوند. به‌عنوان مثال می‌توان به معاهده ۳ فوریه ۱۹۴۴ بین ایالات متحده و مکزیک در خصوص استفاده از آب‌های مرزی^{۶۳} اشاره کرد که ایالات متحده را ملزم می‌کند مقدار مشخصی آب را ماهانه به مکزیک تحویل دهد. در عین حال، شیوه تقسیم دبی آب به‌صورت چرخشی معین شده بود.

به نظر می‌رسد این شیوه‌ها متداول‌ترین شیوه‌ها باشند. با این حال، شیوه‌های دیگری نیز قابل تصورند. مثلاً در مورد دو استفاده قابل جمع، یکی انحصاراً به یک دولت داده شود و دومی به دولت دیگر. معاهده ۴ دسامبر ۱۹۵۹ بین هند و نپال در ارتباط با رود گاندک،^{۶۴} شیوه ابتکاری را در این چارچوب پیش‌بینی کرده است. با عنایت به شیوه‌های موجود می‌توان پیشنهاد کرد دولت‌های افغانستان، ایران و ترکمنستان نیز می‌توانند یکی از این شیوه‌ها را در قبال بهره‌برداری از هریرود اختیار کنند.

حال آیا امروزه تعهد به استفاده معقول و منصفانه از آبراه‌ها و منابع آن توسط دولت‌های

57. Final Act of the Delimitation of the International Frontier of the Pyrenees, 26 May, 1866.

58. Agreement for the Full Utilization of the Nile Waters (Nile Waters. Treaty), 8 Nov., 1959.

59. Convention for the Hydroelectric Utilization of the Rennes River between France and Switzerland, 14 October, 1913.

60. Convention for the Hydroelectric Utilization of the Doubs River between France and Switzerland, 19 November, 1930.

61. Convention concerning the Regulation of the Upper Course of the Garonne between France and Spain, 29 January, 1963.

62. Vitányi, Béla, *The International Regime of River Navigation*, Sijthoff & Noordhoff, Alphen aan den Rijn, The Netherlands, and Germantown, 1979, pp. 19-25.

63. Treaty between the United States of American and Mexico for the Utilization of Waters of the Colorado and Tijuana River and of the Grande, 3 February, 1944.

64. Agreement between His Majesty's Government of Nepal and the Government of India on the Gandak Irrigation & Power Project, 4 December, 1959.

ذی‌ربط در حقوق بین‌الملل عام پذیرفته شده است؟ ممنوعیت وارد کردن آسیب «جدی»، «مهم» یا برجسته، نخستین نشانه مثبت پذیرش این دیدگاه است.

بررسی مواد ۳ و ۴ قطعنامه بهره‌برداری از آب‌های بین‌المللی غیردریایی *سالزبورگ* (به‌استثنای دریانوردی) مؤسسه حقوق بین‌الملل در ۱۱ سپتامبر ۱۹۶۱ در این باره مفید است. این مواد مقرر می‌دارند:

«اگر دولت‌ها در خصوص قلمرو حقوق‌شان در استفاده از آبراه‌ها اختلاف داشته باشند، با عنایت به نیازهای مربوط آن‌ها و نیز دیگر شرایط خاص پرونده، بر مبنای انصاف، حل‌وفصل خواهد شد. یک دولت نمی‌تواند دست به اقدامات یا استفاده‌هایی از آبراه یا حوضچه آبگیر بزند که امکان استفاده از همان آب‌ها را از سوی دولت‌های دیگر به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد مگر اینکه بهره‌مندی از حقوقی را که این دولت‌ها مطابق ماده ۳ نسبت به آن محق هستند برای آن‌ها تضمین کرده و همچنین برای آسیب‌ها و خسارت‌های وارده به آن‌ها غرامت دهد».^{۶۵}

در این چارچوب می‌توان به طرح کاری *ماردل پلاتا*^{۶۶} اشاره کرد که در ۱۹۷۷ به‌وسیله کنفرانس ملل متحد در خصوص آب تهیه شد. توصیه ۹۱ این طرح مقرر می‌دارد:

«در خصوص استفاده، اداره و بهره‌برداری از منابع آبی مشترک، سیاست‌های ملی باید حق هر دولت دیگر سهیم در این منابع را برای استفاده منصفانه برای ارتقای بهتر روابط همبستگی و همکاری مدنظر قرار دهد».^{۶۷}

به‌موجب ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۹۷ نیویورک، دولت‌های ساحلی دریاچه‌ها و آبراه‌های بین‌المللی باید از منابع واقع‌شده در قلمرو سرزمینی خود به گونه‌ای معقول و منصفانه بهره‌برداری کنند.

تعهد به مشارکت منصفانه و معقول، در چندین متن کنوانسیونی دیگر نیز گنجانده شده است. به‌عنوان مثال می‌توان به معاهده ۲۰ فوریه ۱۹۲۹ بین هائیتی و جمهوری دومینیکن اشاره کرد که بند ۲ ماده ۱۰ آن برای هر دولت طرف قرارداد، «حق بهره‌برداری عادلانه و منصفانه» از آبراه‌های مرزی و متوالی را در داخل قلمرواش تضمین می‌کند.^{۶۸} از سایر معاهدات برای نمونه می‌توان به معاهده ۱۹ سپتامبر ۱۹۶۰ در خصوص آب‌های *آیندوس* بین هند و پاکستان، سند نهایی تحدید حدود مرزی پیرنه، ۱۱ ژوئیه ۱۸۶۸ کنوانسیون ۱۹ نوامبر ۱۹۳۰ بین فرانسه و سوئیس در مورد استفاده هیدرولیک از رود *دانوب*، کنوانسیون ۲۹ ژوئیه ۱۹۶۳ در ارتباط با تنظیم

55. Resolution on the Use of International Non-Maritime Waters. Resolution of Salzburg, 11 September, 1961.

66. Mar del Plata

67. See: Report of the United Nations Conference on Water (Mar del Plata, 14-25 March, 1977), doc, E/CONF. 70/29, p.5(51).

68. McCaffery, 1997, *op.cit.*, pp. 105-108.

امور آبراه‌های فوقانی رود گارون بین اسپانیا و فرانسه، معاهده ۳ فوریه ۱۹۴۴ بین ایالات متحده و مکزیک در خصوص استفاده از آب‌های مرزی، معاهده ۴ دسامبر ۱۹۵۹ بین هند و نپال در ارتباط با رود گاندک اشاره کرد.

تعهد به بهره‌برداری معقول و منصفانه از آبراه‌های بین‌المللی در رویه داخلی و بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه در رویه داخلی می‌توان به قضیه *نبراسکا - وایومینگ*^{۶۹} اشاره کرد. در این قضیه دیوان عالی ایالات متحده امریکا^{۷۰} در رأی خود اظهار داشت با اختلافی روبه‌رو شده است که ۳ دولت (ایالت) را در برابر هم قرار داده و میزان مطالبات آن‌ها از حد استفاده ممکن فراتر می‌رود و لذا لازم است توزیع منصفانه انجام شود. همچنین دیوان در تبیین مفهوم توزیع منصفانه افزود که عملیات توزیع میان ایالت‌ها باید عادلانه و منصفانه باشد. لذا شرایط فیزیکی و آب‌وهوایی، مصرف آب، طول بخش‌های مختلف رود، شیوه‌ها و حجم برداشت آب، اهمیت استفاده‌های موجود، امکان برداشت آب از مخازن، میزان هدر رفتن آب در مقایسه با مناطق پایین‌دست، ایراد وارده به مناطق بالادست بر اثر محدودیت‌های وارده به وی در مقایسه با مزایایی که مناطق پایین‌دست از آن محروم می‌شوند، همه عوامل دخیل هستند. این فهرست، حصری نیست و تنها مجموعه مثال است. این عوامل امکان می‌دهد که طبیعت مشکل راجع به توزیع و حل‌وفصل ظریف بین مصالح مختلف درک شود.^{۷۱}

همان‌طور که بیان شد در رویه بین‌المللی نیز بهره‌برداری معقول و منصفانه مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه می‌توان به پرونده انحراف آب از رود موز^{۷۲} اشاره کرد. دیوان دائمی

69. U.S. Supreme Court. *Nebraska v. Wyoming*, 325 U.S. 589 (1945). *Nebraska v. Wyoming*. No. 6, Original. Argued March 5, 6, 7, 1945. Decided June 11, 1945, available at: <https://supreme.justia.com/cases/federal/us/325/589>.

در این قضیه، *وایومینگ*، ایالت بالادست به زیان *نبراسکا* بخشی از آب‌های رود نورت پلات (North Platt) را منحرف و به این ترتیب به استفاده‌های موجود از این رود در ایالت *وایومینگ* آسیب رساند. در خلال رسیدگی، ایالت *کلرادو* نیز در کنار *وایومینگ* وارد دعوا شد. *نبراسکا* از دیوان خواست آب را منصفانه توزیع کند. این رأی در ۱۱ ژوئن ۱۹۴۵ صادر شد.

70. Supreme Court of the United States

71. U.S. Supreme Court, *Nebraska v. Wyoming*, 1945.

برای سایر آرای مشابه، ن.ک:

Kansas v. Colorado, 1970, 206 US 46, 117; *Wyoming v. Colorado*, 1922, 259 US 419, 464 ss; *Connecticut v. Massachusetts*, 202 US 660, 1931, 670-671; *New Jersey v. New York*, 283 US 336, 1931, 342-343; *Wyoming v. Colorado*, 286 US 494, 1932, 507; *Colorado v. New Mexico* (Vermejo 1), 459 US 176, 1982, 183.

72. *Diversion of Water from the Meuse Case (Netherlands v. Belgium)*, 1937, P.C.I.J. (Ser. A/B) No. 70. موز، رودی بین‌المللی است که از فرانسه سرچشمه می‌گیرد و پس از عبور از فرانسه وارد بلژیک شده و پس از اینکه قسمتی از مرز مشترک هلند و بلژیک را تشکیل می‌دهد، وارد خاک هلند شده و با طی مسیری، برای دومین بار، قسمتی از مرز هلند و بلژیک را تشکیل می‌دهد و سرانجام به دریا می‌ریزد.

بلژیک و هلند در ۱۸۶۳ برای حل‌وفصل دائم و نهایی رژیم حاکم بر انحراف آب رودخانه موز برای کانال‌های کشتی‌رانی و آبیاری موافقت‌نامه‌ای منعقد کردند. موضوع این معاهده، تنظیم رژیم برداشت آب رودخانه موز برای تأمین آب کانال‌های

دادگستری بین‌المللی^{۷۳} در این پرونده با رد ادعای هلند که مدعی بود بلژیک متعهد است از برخی اعمال مرتبط با آبیگری کانال‌های قسمت سفلائی ماستریخت از طریق رود موز خودداری کند، در ارتباط با کانال‌ها اعلام کرد «هریک از دو دولت آزادند که در سرزمین خود، این کانال‌ها را تغییر و گسترش دهند و حجم آن‌ها را از طریق منابع جدید کم و زیاد کنند، به این شرط که ... سطح طبیعی و جریان رود در ویلمسوارت جنوبی^{۷۴} (کانالی که قسمتی از آن در هلند قرار دارد) تحت تأثیر قرار نگیرد».

در نهایت می‌توان به قضیه گابچیکوو-ناگیماروس^{۷۵} توجه کرد که در ارتباط مستقیم با بحث سدسازی است. در این قضیه در پی اجرای پروژه سد بر روی رودخانه دانوب و همچنین اعمال پروژه واریانت سی^{۷۶} به صورت یکجانبه از سوی اسلواکی که به دنبال تعلیق و کناره‌گیری از ادامه

کشتی‌رانی و آبیاری است. ماده ۱ معاهده به هلند اجازه ساخت کانال‌هایی برای آبیگری تمام کانال‌های واقع در قسمت سفلائی ماستریخت را می‌داد. بلژیک در ۱۹۳۰ اقدام به ساخت کانالی موسوم به کانال آلدت کرد که قرار بود از آب رود موز در سرزمین بلژیک استفاده کند. در ۱۹۳۶ هلند علیه بلژیک اقامه دعوا کرد و مدعی شد که برخی از طرح‌ها یا اقدامات دولت بلژیک، معاهده ۱۸۶۳ را نقض کرده است. به نظر هلند در نتیجه نقض معاهده از سوی بلژیک باید معاهده به حال تعلیق درآید. ولی این استنتاج، هنگامی می‌توانست مورد قبول واقع شود که بلژیک همچنان در حال نقض معاهده باشد. لذا دیوان ابتدا به تحلیل تفصیلی مقررات معاهده و اقدامات بلژیک (که مورد اعتراض هلند است) پرداخت.

دیوان پس از بررسی به این نتیجه رسید که خطای قابل انتساب به بلژیک رخ نداده است. برعکس دیوان ملاحظه کرد در بسیاری موارد، معاهده به هریک از دو دولت در سرزمین خود، آزادی عمل داده است. لذا نتیجه گرفت که نمی‌توان معاهده مورد منازعه را به حال تعلیق درآورد زیرا هیچ‌یک از طرفین از مقررات آن تخطی نکرده‌اند. ن.ک:

Diversion of Water from the Meuse Case (Netherlands v. Belgium), 1937, P.C.I.J. (Ser. A/B) No. 70, para. 26.

در نهایت، دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی با اشاره به «اعمال قواعد عام حقوق بین‌الملل در ارتباط با رودخانه‌ها» اعلام کرد: «تمام نکات مورد اشاره در پرونده باید صرفاً با استفاده از تفسیر و اعمال معاهده ۱۸۶۳ حل و فصل شود».

73. Permanent Court of International Justice

75. Zuid-Willemsvaart

75. *Case concerning the Gabčíkovo - Nagymaros Project (Hungary/Slovakia)*, ICJ Reports, 1997, Available at: <http://www.icj-cij.org/files/case-related/92/092-19970925-JUD-01-00-EN.pdf>.

رودخانه دانوب، مرز مشترک مجارستان و اسلواکی است. این رودخانه از کوه‌های جنگل سیاه سرچشمه گرفته و سپس در طول ۱۴۲ کیلومتر بین براتیسلاوا در اسلواکی و بوداپست مجارستان، مرز دو کشور را تشکیل می‌دهد. جمهوری خلق مجارستان و جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی در ۱۶ سپتامبر ۱۹۷۷ برای تشویق و افزایش همکاری بین دو کشور معاهده‌ای در مورد ساخت و بهره‌برداری سد گابچیکوو در چکسلواکی و ناگیماروس در مجارستان بر روی رودخانه دانوب امضا کردند که از ۳۰ ژوئن ۱۹۷۸ لازم‌الاجرا شد. هدف از این عملیات عمرانی، ارتقای ارزش «منابع طبیعی منطقه براتیسلاوا - بوداپست در رودخانه دانوب با هدف توسعه منابع آب، انرژی، کشتی‌رانی در رودخانه دانوب، تولید انرژی برق آبی، حفاظت از منطقه مجاور رودخانه در مقابل سیل و ...» بود. این عملیات اجرایی و ساختمانی سد برای طرفین پروژه به صورت سرمایه‌گذاری مشترک فراهم شده بود. طرفین در این موافقت‌نامه متعهد شدند که در نتیجه اجرای پروژه، کیفیت آب رودخانه دانوب خراب نشود و از محیط طبیعی رودخانه حفاظت شود. ن.ک: سبحان طیبی؛ *دیپلماسی محیط‌زیست و حقوق بین‌الملل توسعه پایدار*، مجد، ۱۳۹۵، صص ۶۴-۶۳.

76. Variant C

پروژه از سوی مجارستان به دلایل ضرورت زیست‌محیطی و تغییر نظام سیاسی این کشور، از کشوری کمونیستی به کشوری همسو با غرب که پیش از این همگرایی بسیار زیادی در روابط بین‌المللی خصوصاً با کشورهای کمونیستی داشت، کشور اسلواکی که به‌شدت به دنبال توسعه اقتصادی خویش برآمده بود با اصرار بر به‌نتیجه‌رساندن پروژه، سبب تخریب تالاب‌های منطقه، آلودگی منابع آب و خشک‌شدن مراتع و جنگل‌ها شد و در این راه پس از بروز اختلافات زیاد و تبدیل‌شدن این موضوع به موضوعی ملی - میهنی برای دو کشور، اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری ارسال شد.^{۷۷}

در این قضیه از دیوان خواسته شد که ابتدا در این مورد رأی صادر کند که آیا مجارستان حق رهاسازی پروژه و چکسلواکی حق اجرای *واریانت سی* و باز مجارستان، حق فسخ قرارداد را داشتند؟ در رابطه با ادعای اول، دیوان اظهار داشت که مجارستان با قطع پیگیری عملیات پروژه، قرارداد را نقض کرده است و نمی‌تواند برای توجیه نقض قرارداد، به عذر ضرورت رعایت ملاحظات زیست‌محیطی استناد کند. در مورد دوم، اقدام چکسلواکی مبنی بر محروم‌کردن مجارستان از داشتن «سهم معقول و منصفانه»^{۷۸} از رود دانوب، با اجرای *واریانت سی* غیرقانونی اعلام شد. در نهایت، دیوان حکم کرد که فسخ قرارداد از سوی مجارستان هم بی‌اعتبار بوده است.^{۷۹}

در دوران توقف پروژه، مذاکراتی بین دو طرف صورت گرفت. دولت چکسلواکی راه‌حلی ارائه کرد. یکی از این راه‌حل‌ها، *واریانت C* بود که به‌عنوان راه‌حل موقت ارائه شد. به‌موجب این راه‌حل، چکسلواکی به‌صورت یکجانبه، رودخانه بین‌المللی *دانوب* را به طول ۱۰ کیلومتر در قلمرو سرزمینی خود منحرف کرد که در قسمت انتهایی مسیر پیشنهادی منجر به اتصال بندهای آب شد. شایان ذکر است دولت چکسلواکی در سپتامبر ۱۹۹۱ تصمیم گرفت که بر مبنای این راه‌حل موقت، عملیات ساخت پروژه *گابچیکو* را در پیش بگیرد. این تصمیم در ۲۵ ژوئیه همان سال توسط دولت فدرال چکسلواکی تأیید شد و در نهایت، کار اجرایی این راه‌حل از نوامبر ۱۹۹۱ توسط دولت مزبور آغاز شد. ن.ک:

Case concerning the Gabčíkovo - Nagymaros Project (Hungary/Slovakia), ICJ Reports, 1997, para. 22.

۷۷. موسوی؛ ۱۳۸۹، همان، ص ۴۳۰.

78. Equitable and Reasonable Share.

در تعیین سهم معقول و منصفانه دولت‌های مجاور رودخانه‌های بین‌المللی باید عوامل متعددی نظیر عوامل طبیعی (مثل جغرافیا و آب و هوا)، نیازهای اجتماعی و اقتصادی دولت‌های حاشیه آبراه، آثار استفاده از آبراه توسط یک دولت حاشیه آبراه بر سایر دولت‌های حاشیه آبراه، استفاده‌های بالفعل و بالقوه از آبراه‌ها، محافظت، حمایت، توسعه و استفاده اقتصادی از منابع آبی آبراه‌ها را در نظر گرفت. البته این فهرست کامل نیست و تمام عوامل باید با در نظر گرفتن اوضاع و احوال خاص هر قضیه ارزیابی شوند. ن.ک:

Kaya, Ibrahim, *Equitable Utilization: The Law of Non-Navigational Uses of International Watercourses*, Ash Gate Publishing, 2003, pp. 91-92.

۷۹. در این قضیه، توجیهات مختلف فسخ قرارداد که مجارستان مطرح کرد، از جمله این ادعا که هنجارهای جدید حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، عدم اجرای قرارداد را توجیه می‌کند نیز در دیوان پذیرفته نشد. ن.ک:

شاید بتوان به این نتیجه رسید که نظریه بهره‌برداری معقول و منصفانه که در کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل متحد پذیرفته شد، عرفی شده است. در حال حاضر ملاحظه می‌شود که تعداد نسبتاً کمی از کشورها به کنوانسیون مزبور پیوسته‌اند و این بدین معنی است که کشورها با توجه به منافع خود، هریک به شیوه‌ای خاص عمل کرده‌اند و در واقع این نظر را شاید کاملاً نپذیرفته‌اند یا در عمل نپذیرفته‌اند.

در مجموع با توجه به تعهد به استفاده معقول و منصفانه، در مورد سدسازی می‌توان گفت دولت‌های افغانستان، ایران و ترکمنستان در بهره‌برداری از آبراه مشترک، هرکدام حقوقی دارند؛ لذا تردیدی نیست که این حقوق، آزادی عمل هریک از آن‌ها را محدود می‌کند. اما استفاده‌ای منصفانه و معقول تلقی می‌شود که منافع طرف دیگر در خصوص منافع مشترک را در برگیرد. بنابراین دولت‌های مزبور می‌توانند تأسیساتی را روی آبراه مشترک بنا کنند مشروط بر اینکه منافع مشترک سایر کشورهای آبراهی را رعایت کنند زیرا استفاده از آبراه تا زمانی که به سایر کشورهای آبراهی زیان وارد نکند، معقول و منصفانه است.

۷. تعهد دولت‌های حوضچه هریرود به منع آسیب مهم در احداث تأسیسات آبی

یکی از پایه‌های اساسی مقررات بین‌المللی آب، تعهد به عدم ورود خسارت به سایر کشورهاست. این بدان معنی است که فعالیت‌های مرتبط با آبراه‌های بین‌المللی منجر به آسیب‌رساندن به کشورهای حوضچه‌های آبریز نشود.^{۸۰} ماده ۷ کنوانسیون ۱۹۹۷ نیویورک به قاعده عدم ایجاد خسارت چشمگیر و دیرپا به دیگر دول اشاره دارد.^{۸۱}

منع ایراد آسیب مهم، ریشه در یک قاعده عرفی و قدیمی حقوق بین‌الملل مبنی بر ممنوعیت آسیب و ورود ضرر به دیگری (*Sic utere tuo alienum non laedas*)^{۸۲} دارد. در ادبیات حقوق بین‌الملل محیط‌زیست نیز در قضیه کارخانه تریل^{۸۳} (تریل اسملتر) مسئولیت دولت در زمینه آلودگی هوایی مرزگذر برای نخستین بار شناسایی شد.^{۸۴} رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در

ستار عزیزی و سیدمهدی موسوی؛ «پرونده گایچیکوو- ناگیماروس: نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در برجسته‌سازی مفهوم توسعه پایدار»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۵۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص ۱۱۱-۱۱۲.

80. Kirschner, Adele, J., & Tiroch, Katrin, "The Waters of Euphrates and Tigris: An International Law Perspective", *Max Planck Yearbook of United Nation Law*, Vol. 16, 2012, p. 17.

81. Article 7, United Nations Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses, 1997.

82. حق خود را چنان اعمال کن که سبب اضرار غیر نشود. ن.ک: محمدحسین رضانی قوام‌آبادی؛ «نگاهی به اصل استفاده غیرزیان‌بار از سرزمین در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، *پژوهشکده علوم محیطی*، سال چهارم، شماره ۴، ۱۳۸۶، ص ۵۸.

83. Trail Smelter

84. *Trail Smelter Case, United States of America v. Canada*, (16 April, 1938 and 11 March, 1941).

قضیه تنگه کورفو اولین رأی است که تعهد منع ایراد آسیب مذکور در رأی داوری *تریل* را تأیید کرد. بسیاری از محققان، قضیه کانال کورفو را ایجادکننده مسئولیت دولتی جهت آلودگی‌های مرزگذر تفسیر و اذعان می‌کنند. دیوان در بخشی از حکم، آلبانی را متوجه تعهد به منع ایراد آسیب از سرزمین خویش کرد و پس از قضیه *اسلتر* این تعهد را نخستین بار در یک اختلاف ترافی بین‌المللی در مرجع قضایی ملل متحد تصدیق کرد.^{۸۵} داوری *دریاچه لانو دومین* رأی داوری است که به تعهد به منع ورود آسیب می‌پردازد. در این رأی، دیوان خاطرنشان کرد که تعهدی وجود دارد که به موجب آن دولت بالادست از تغییر آب‌های یک رود به گونه‌ای که به پایین دست آسیب جدی وارد شود ممنوع شده است. دولت بالادست مطابق قواعد حسن نیت متعهد است منافع مختلف موجود را ملاحظه و همراه با پیگیری مصالح خاص خود به آن‌ها توجه کند و در این راستا نشان دهد که واقعاً نگران سازش و اُشتی مصالح دولت ساحلی دیگر با مصالح خود بوده است. دیوان داوری در داوری *سد گت*^{۸۶} (اختلاف کانادا علیه امریکا، ۱۹۶۹) رأی صادر کرد که بر اساس آن دولت کانادا متعهد شد مبالغی را به عنوان خسارت ناشی از سد گت به دولت امریکا پرداخت کند. همچنین دیوان بیانیه‌ای مشترک برای حل و فصل اختلافات پیشنهاد کرد. در نتیجه رأی *سد گت* بیان‌کننده این مطلب است که دولت‌های آسیب‌زننده باید جبران

این قضیه مربوط به خسارت‌های ایجادشده در ایالت واشنگتن در اثر دی اکسید سولفوری بود که از ۱۹۲۵ از یک کارخانه ذوب آهن کانادا واقع در مسافت ده مایلی مرز امریکا - کانادا همراه با آب رودخانه *کلمبیا* به واشنگتن رسیده بود. به موجب اصل *SIC UTERE*، یک دولت وظیفه جلوگیری از اعمالی را بر عهده دارد که سبب آسیب و خسارت به اشخاص یا اموال در قلمرو کشور دیگر می‌شود. این اصل را این دعوا در رویه قضایی محیط‌زیست بین‌المللی وارد کرد. در این دعوا محکمه داوری ذی ربط، کانادا را برای خسارتی که از عملیات خصوصی مربوط به ذوب آهن، به اموال در ایالات متحده امریکا وارد آمده بود مسئول شناخت اما اظهارنظر در مورد توقف آلودگی در آینده را مسکوت گذاشت.

۸۵. موسوی و دیگران؛ همان، ص ۵.

86. Gut Dam

داوری *سد گت* بین کانادا و ایالات متحده درباره خسارت سیلاب‌ها بود. دادگاه از شهروندان ایالات متحده ۲۳۰ شکایت دریافت کرد زیرا در نتیجه تأسیس *سد گت* به اموال شهروندان ایالات متحده خسارت وارد شده بود. در ۱۸۷۴ کانادا پیشنهاد ساخت *سد گت* بین جزیره *آدامز* (Adams Island) در کانادا و جزیره *لس گالوپس* (Les Galops Island) در ایالات متحده را به منظور بهبود دریانوردی ارائه کرد. کانادا در ۱۹۰۰ برای ساخت بخشی از این سد که در قلمرو ایالت متحده واقع شده بود درخواست اجازه کرده بود. این اجازه در ۱۹۰۲ توسط ایالات متحده داده شده بود ولی مقرر شده بود تا زمان تصویب طرح از سوی وزارت جنگ نباید کار ساختمانی سد آغاز شود. در ۱۹۰۳ وزیر جنگ امریکا (Elihu Root) طرح کانادا را با دو شرط تصویب کرد. شرط نخست اینکه اگر سد در سطح آب *دریاچه/اونتاریو* (Ontario Lake) یا رودخانه *استی‌لارونس* (St. Lawrence River) تأثیر بگذارد یا به مصالح ایالات متحده آسیب برساند، حکومت کانادا باید مطابق دستورهای وزارت جنگ عمل کند. شرط دوم اینکه اگر ساخت سد مذکور به هریک از شهروندان ایالات متحده آسیب برساند، حکومت کانادا باید مطابق توافق موجود به طرف‌های خسارت‌دیده با رأی محکمه خاص ایالات متحده خسارت بپردازد. در ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۲ سد فوق، آسیب فراوانی به شهروندان امریکایی وارد کرد که سرانجام، کار به داوری کشید. ن.ک: فریده محمدعلی‌پور؛ حقوق استفاده‌های غیرکشتی‌رانی از آبراه‌های بین‌المللی، میزان، ۱۳۹۶، صص ۷۱-۷۰.

خسارت کنند و هرگونه ضرر و زیان ناشی از ساخت سد گت در طول دوره ساخت و بعد از آن باید پرداخت شود. نکته قابل توجه در رأی^{۸۷} قضیه سد گابچیکوو-ناگیماروس (اختلاف مجارستان و اسلواکی) تأکید مجارستان بر اعمال تعهد به پیشگیری و تعهد به اتخاذ اقدامات احتیاطی به منظور جلوگیری از خسارات زیست‌محیطی است. با وجود این، دیوان ضمن تأکید بر تعهد به پیشگیری آن را آشکارا در پاراگراف ۱۴۰ رأی خود بدین صورت مورد نظر قرار داد که: «در قلمرو حمایت از محیط‌زیست، به دلیل ویژگی غالباً غیر قابل بازگشت خسارات وارده به محیط‌زیست و محدودیت‌های مرتبط با سازکار جبران این‌گونه خسارات، مراقبت و پیشگیری امری اجباری است». ولی برعکس، دیوان در مورد اقدامات احتیاطی قدری سکوت اختیار کرده زیرا علت وجودی این تعهد مبتنی بر وجود خطری است که از نظر علمی نمی‌توان به‌طور قاطع و متقن آن را به اثبات رساند.^{۸۸}

علاوه بر این، تعهد فوق در حکم اخیر زیست‌محیطی درباره آسیاب‌های مرزی و در قضیه کارخانه خمیر کاغذ مجاور رودخانه اروگوئه در مرز رودخانه‌های آرژانتین - اروگوئه تکرار و به‌صورت تعهدی مربوط به عرف بین‌المللی تأیید شد. در این رأی دیوان اعلام کرد که «باید بین حقوق و نیازهای طرفین در مورد استفاده از این رودخانه برای اهداف اقتصادی و تجاری و تعهد به حفاظت آن از هر آسیب زیست‌محیطی احتمالی از چنین فعالیتی، تعادل ایجاد شود».^{۸۹}

به‌موجب این اصل قدیمی و سنتی حقوق بین‌الملل، دولت‌ها مکلف‌اند سرزمین خود را برای اهدافی به کار نگیرند که مغایر با حقوق بین‌الملل باشد. اصل بیست‌ویکم اعلامیه/ستکهلم نیز بیان می‌دارد که «دولت‌ها بر طبق منشور سازمان ملل و اصول قوانین بین‌المللی دارای حقوق حاکمیت از نظر استخراج منابع خود، مطابق سیاست‌های زیست‌محیطی خود هستند و مسئولیت تضمین یا کنترل فعالیت‌های داخل قلمرو خود را به نحوی که صدمه‌ای به محیط‌زیست کشورها یا مناطق ماورای قلمرو آنها وارد نکند به عهده دارند». همان‌طور که ملاحظه می‌شود، اعلامیه بلافاصله بعد از اذعان به حقوق حاکمیت دولت‌ها، مسئولیت آن‌ها را در زمینه عدم ورود آسیب به محیط‌زیست متذکر می‌شود.^{۹۰} در اجرای پروژه‌های سدسازی، به‌موجب این تعهد دولت‌های آبراهی به‌طور معمول دولت‌های بالادست آبراه باید به شیوه‌ای در محدوده خود فعالیت کنند که به سرزمین سایر دولت‌های آبراهی معمولاً دولت‌های پایین‌دست آبراه آسیبی نرسانند. از نظر

87. Erades. L. June, "Gut Dam Arbitration", *Netherlands International Law Review*, Vol. 16, Issue 02, 1969, pp. 161-206 .

88. Sohnle, J., "Irruption Du Droit De L'environnement Dans La Jurisprudence De La C.I.J.: L'affaire Gabcikovo-Nagymaros". *RGDIP*, No. 1. 1998, p. 92.

89. Ibid.

90. Principle 1, Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment (Stockholm Declaration, 1972).

حقوقی، میزان زیان وارده باید به درجه‌ای از اهمیت باشد که مخل دولت‌های پایین‌دست به حساب آید. این اجتناب برای هر دولت آبراهی باید به میزان حداکثر ممکن و به کاهش معقول میزان حداقل آثار زیان‌آور وارده به سرزمین دولت‌های آبراهی - به‌طور معمول پایین‌دست - باشد. همان‌طور که مطرح شد، کمیسیون حقوق بین‌الملل فقط «زیان‌های قابل ملاحظه» را شامل می‌شود.

تعهد مزبور در حوزه‌های مختلف زیست‌محیطی از جمله سدسازی از توان اجرایی بالایی برخوردار است. از جمله نمونه‌های عملی اقدام زیان‌بار در اثر سدسازی می‌توان به تغییر در مسیر آبراه اشاره کرد. این تغییر علاوه بر منتهی‌شدن به مصرف تمامی آب و تهی‌شدن یا نیمه‌خشک‌شدن آن، امکان تغییر بستر آبراه در خطوط مرزی را نیز به وجود می‌آورد. بنابراین، اگرچه دولت‌ها در بهره‌برداری از منابع خویش و مطابق با سیاست‌های خود دارای حق حاکمیت هستند، در محدوده صلاحیت یا مناطق تحت نظارت خود مکلف‌اند به گونه‌ای فعالیت کنند که سبب وارد آمدن خسارت به محیط‌زیست سایر دولت‌ها نشوند و حقوق حاکمیت سرزمینی به یک دولت این حق را نمی‌دهد که اقدام به منحرف کردن جریانی کند که به دیگر دولت‌های کناره آن آسیب وارد آورد. به عبارت دیگر، دولت‌ها باید قبل از ورود به هر فعالیتی، ارزیابی زیست‌محیطی به عمل آورند زیرا ممکن است آثار آن، خطر قابل‌توجهی به محیط‌زیست دولت دیگر یا دولت‌هایی که از آن منابع مشترک استفاده می‌کنند وارد آورد.

انستیتوی حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۱۱ نیز تغییر دادن مسیر بستر آبراه را زیان‌آور قلمداد کرد.^{۹۱}

این تعهد قبلاً از سوی ایران و افغانستان در معاهده راجع به رودخانه هیرمند تصریح شده است. در خصوص رود هیرمند که امروزه سدهای متعددی نظیر سد ارغنداب و سد کجکی بر روی آن ساخته شده است، معاهده راجع به آب رود هیرمند بین دولت ایران و افغانستان در ماده ۵ اظهار می‌کند که افغانستان موافقت دارد اقدامی نکند که ایران را از حقایق آن از آب رود هیرمند (هلمند) که مطابق احکام مندرج در مواد ۲ و ۳ و ۴ این معاهده تثبیت و محدود شده است بعضاً یا کلاً محروم کند.^{۹۲} به عبارت بهتر، دولت افغانستان متعهد است از هر اقدامی در سرزمین خود که منجر به ورود آسیب به دولت ایران شود خودداری کند. همان‌گونه که ملاحظه شد، معاهده

۹۱. گوندینگ، لوتار، هویسمان، جی، دبلیو و دینا شلتون؛ حقوق محیط‌زیست، ترجمه: محمدحسن حبیبی، انتشارات دانشگاه تهران، جلد دوم، ۱۳۸۱، صص ۸۷-۸۶.

۹۲. همچنین در ماده ۶ معاهده راجع به آب رود هیرمند بین دولت ایران و افغانستان به قاعده استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین اشاره شده است. بر اساس ماده مزبور، افغانستان اقدامی نخواهد کرد که حقایق ایران برای زراعت به‌طور کلی نامناسب شود یا به مواد شیمیایی حاصل از فاضلاب صنایع به حدی آلوده شود که با آخرین روش‌های فنی و معمول قابل‌تصفیه نبوده و استعمال آب برای ضروریات معدنی ناممکن و مضر شد.

مزبور بر تعهد به منع ورود آسیب مهم تأکید کرده است. لذا می‌توان گفت دولت‌های آبراهی هریرود، به وجود تعهد عرفی منع ورود آسیب مهم به سایر دولت‌ها واقف هستند. علاوه بر این، تعهد مزبور در خصوص تأسیسات آبی بر هریرود قابلیت اجرایی دارد. همان‌گونه که در مقدمه مطرح شد، هریرود یکی از منابع اصلی آب ورودی به بخش‌هایی از مناطق شمال شرق ایران و جنوب ترکمنستان و تأمین‌کننده آب آشامیدنی و کشاورزی جمعیت زیادی از مردم بوده است. لذا بهره‌برداری بی‌رویه افغانستان منجر به کاهش حقایق ایران و ترکمنستان و در نهایت، منجر به آسیب جدی به تأمین آب برای آشامیدن، کشاورزی و صنعت می‌شود و بحران‌هایی چون بیکاری، مهاجرت، ریزگردها، حاشیه‌نشینی و ناامنی پدید می‌آورد. از طرفی دولت افغانستان نیز با توجه به بحران شدید کم‌آبی نیازمند مدیریت منابع آبی است. لذا ضروری است دولت‌های حوضچه هریرود با رعایت تعهدات بین‌المللی در زمینه تأسیسات آبی از بروز آسیب مهم زیست‌محیطی به قلمرو یکدیگر اجتناب کنند.

نتیجه

به‌طور کلی با عنایت به مطالبی که در این مقاله مطرح شد، کشور افغانستان به دلیل قرارگرفتن در حوزه بالادست رودخانه هریرود به‌طور ضمنی طرفدار نظریه حاکمیت سرزمینی مطلق در بهره‌برداری از این رودخانه بین‌المللی است. طبق این دیدگاه، رودخانه‌ها و آب‌های جاری در قلمرو سرزمینی این دولت در حکم سایر اموال، منابع و غیره دولت در نظر گرفته می‌شوند که دولت مزبور حاکمیت انحصاری و مطلق را در بهره‌برداری از رودخانه هریرود اعمال می‌کند. به همین دلیل است که دولت افغانستان به‌طور جدی حقوق سایر دولت‌های آبراهی (ایران و ترکمنستان) را رعایت نمی‌کند.

تأکید ضمنی و پذیرش اصل حاکمیت سرزمینی مطلق در مورد رودخانه هریرود، این رودخانه را از دیدگاه کشور بالادستی، رودخانه داخلی تلقی می‌کند؛ از این رو در ادوار گذشته اقداماتی چون حفر کانال برای انحراف آب و ایجاد سد به منظور ذخیره‌سازی آب از سوی دولت افغانستان صورت گرفته است.

از سوی دیگر، دولت‌های پایین‌دست (ایران و ترکمنستان) بنا به موقعیت جغرافیایی خود که در حوزه پایین‌دستی آبراه قرار دارند به نظریه تمامیت محدود سرزمینی از آب‌ها استناد می‌کنند و همواره خواهان اجرای رژیم حقوقی بین‌المللی یعنی بهره‌برداری معقول و منصفانه و منع ایراد آسیب مهم در مورد رودخانه‌های مرزی از جمله هریرود بوده‌اند.

امروزه از منظر اسناد، رویه داوری و قضایی بین‌المللی، بهره‌برداری معقول و منصفانه از منابع

واقع در آبراه‌های بین‌المللی که دارای مرزهای مشترک سیاسی هستند و مشمول حاکمیت دو یا چند دولت هستند تأیید شده است. بنابراین دولت‌ها دیگر نمی‌توانند به استناد اصل حاکمیت مطلق سرزمینی و بدون توجه به پیامدهای اقداماتشان برای دولت‌های مربوطه به‌طور یکجانبه و خودسرانه اقتدار حاکمه‌شان را بر آب‌های موجود در قلمروشان اعمال بکنند. دکترین مزبور در دنیای محدودیت منابع آبی و ضرورت محافظت هرچه بیشتر از محیط‌زیست نمی‌تواند پاسخگوی انسان باشد و در نتیجه از بعد حقوقی چنین دکترینی مطرود، متروک و مغایر با اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول از آبراه‌های بین‌المللی و اصل منع آسیب مهم به سایر دولت‌های آبراهی است. علاوه بر رویه داوری و قضایی می‌توان به مقررات هلسیکی ۱۹۹۶ و نیز مقررات برلین ۲۰۰۴ که حقوق نرم هستند و معاهده ۱۹۹۷ سازمان ملل که در متن هم اشاره شد تکیه کرد که در واقع همان‌گونه که بیان شد شاید بتوان به این نتیجه رسید که نظریه بهره‌برداری معقول و منصفانه که در کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل متحد پذیرفته شده است عرفی شده است. بنابراین کشور افغانستان در بهره‌برداری از رودخانه مزبور باید حقوق کشورهای پایین‌دستی (ایران و ترکمنستان) و خسارت ناشی از آن عمل را مدنظر قرار دهد. ذکر این مطلب ضروری است که دولت افغانستان در فرایند سدسازی متعهد به رعایت قاعده عرفی منع ورود آسیب مهم است و نقض این قاعده، مسئولیت بین‌المللی آن دولت را به دنبال دارد.

منابع:

الف. فارسی

- کتاب

- ≠ ضیائی بیگدلی، محمدرضا؛ حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ چهل‌وهشتم، گنج دانش، ۱۳۹۶.
- ≠ طیبی، سبحان؛ دیپلماسی محیط‌زیست و حقوق بین‌الملل توسعه پایدار، مجد، ۱۳۹۵.
- ≠ فدایی، سیداحمد و علی‌رضا چکنگی؛ سد دوستی؛ نماد پیوند دو ملت، مشهد: شرکت آب منطقه‌ای خراسان، ۱۳۸۴.
- ≠ فرشادگهر، ناصر؛ نظام حقوقی رودهای بین‌المللی و اروندرود، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۷.
- ≠ گوندینگ، لوتار؛ هوپسمان، جی، دلبیو و دینا شلتون؛ حقوق محیط‌زیست، ترجمه: محمدحسن حبیبی، انتشارات دانشگاه تهران، جلد دوم، ۱۳۸۱.
- ≠ لووت و لوان اسمیت و سرفردریک جان گلدسمید؛ آرای هیئت داورى ۱۹ اوت ۱۸۷۲ و ۱۰ آوریل ۱۹۰۵، متن آرای مندرج در سنت جان، لندن، پارس شرقی: روایتی از سفرهای کمیسیون مرزی پارس، جلد اول، ۱۸۷۶.
- ≠ کیس الکساندر، پیتر سند اچ و وینفراید لانگ؛ حقوق محیط‌زیست، ترجمه: محمدحسن حبیبی، چاپ چهارم، دانشگاه تهران، جلد سوم، ۱۳۹۲.
- ≠ محسن‌زاده، احمدعلی؛ نادر ساعد و علی سمیعی؛ حقوق بین‌الملل محیط‌زیست: نظریه‌ها و رویه‌ها، خرسندی، ۱۳۸۹.
- ≠ محمدعلی‌پور، فریده؛ حقوق استفاده‌های غیرکشتری رانی از آبراه‌های بین‌المللی، میزان، ۱۳۹۶.
- ≠ موسوی، سیدفضل‌الله؛ حقوق رودخانه‌های بین‌المللی، دادگستر، ۱۳۸۹.

- مقاله

- ≠ اسکندری رضایی، داوود؛ «چشم‌انداز جهانی بحران آب»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۹، ۱۳۸۹.
- ≠ حق‌شناس، نیلوفر و اصغر جعفری ولدانی؛ «طرح تغییر مسیر اروندرود و قواعد حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۱۲، ۱۳۸۷.
- ≠ رضائی قوام‌آبادی، محمدحسین؛ «نگاهی به اصل استفاده غیرزیان‌بار از سرزمین در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، پژوهشکده علوم محیطی، سال چهارم، شماره ۴، ۱۳۸۶.

- ≠ زرقانی، سیدهادی؛ «نقش رودهای مرزی در همکاری و همگرایی منطقه‌ای، نمونه موردی هریرود و سد دوستی»، *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، شماره ۱۶، ۱۳۹۰.
- ≠ شهبازبگیان، محمدرضا و مسعود موسوی شفایی؛ «تحلیلی بر احداث سد سلما بر رودخانه هریرود در کشور افغانستان»، *مرکز تحقیقات استراتژیک*، دوره ۱۷۸، ۱۳۹۵.
- ≠ شیرازیان، شیرین و عطیه خطیبی؛ «حقوق بهره‌برداری غیرکشتی‌رانی از آبراه‌های بین‌المللی با نگاهی به توسعه پایدار»، *پایداری، توسعه و محیط‌زیست*، دوره دوم، شماره ۴، ۱۳۹۴.
- ≠ عزیزی، ستار و سیدمهدی موسوی؛ «پرونده گابچیکوو- ناگیماروس: نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در برجسته‌سازی مفهوم توسعه پایدار»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، سال سی‌وسوم، شماره ۵۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.
- ≠ موسوی، سیدفضل‌الله؛ سیدحسین حسینی و سیدحسین موسوی‌فر؛ «اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در پرتو آرای مراجع حقوقی بین‌المللی»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، سال ۱۷، شماره ۴۸، ۱۳۹۴.
- ≠ موسوی، سیدفضل‌الله و سیدحسین موسوی‌فر؛ «اختلاف زیست‌محیطی آرژانتین و اروگوئه (۲۰۱۰)؛ تبیین برخی مباحث و اصول»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۵، شماره ۴، ۱۳۹۴.
- ≠ موسوی‌زاده، رضا و مرتضی عباس‌زاده؛ «ابعاد حقوقی بهره‌برداری از رودخانه هیرمند توسط ایران و افغانستان»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۹۳، ۱۳۹۵.
- ≠ سنائی، وحید؛ «هیدروپلیتیک حوضه هریرود و اثرات آن بر روابط ایران ترکمنستان و افغانستان»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال سوم، شماره سوم، ۱۳۹۰.

ب. انگلیسی

- Books

- ≠ Berga, L. Bofill, J.C. Polimon, A. Buil, E. De Cea, J. A., Manueco, J., *Dams and Reservoirs, Societies and Environment in the 21st Century*, Taylor & Francis Group, 2006.
- ≠ Brierly, J., *The Law of Nations*, Oxford, Oxford University Press, 2010.
- ≠ Bradnock, Robert W., *The Routledge Atlas of South Asian Affairs*, Routledge Publisher, 2016, First Edition.
- ≠ Kaya, Ibrahim, *Equitable Utilization: The Law of Non-Navigational Uses of International Watercourses*, Ashgate Publishing, 2003.

- ≠ *Legal Problems relating to the Utilization and Use of International River- Report by the Secrerly - General*, See A/5409, Extact from the Yearbook of the International Law Commission (YILC), 1974, vol. II(2).
- ≠ McIntyre, Owen, *Environmental Protection of International Watercourses under International Law*, Routledge, 2007.
- ≠ McCaffrey, Stephen C., *The Law of International Watercourses*, Second Edition, Oxford University Press Inc., 2007.
- ≠ *Yearbook of the International Law Commission (YILC)*, 1961.
- ≠ Vitányi. Béla, *The International Regime of River Navigation*, Sijthoff & Noordhoff, 1981.
- ≠ Alphen aan den Rijn, *The Netherlands and Germantown*, Maryland, USA, 1979.
- ≠ Wirsing, Robert G., Adeel, Zafar, *Imagining Industan: Overcoming Water Insecurity in the Indus Basin*, Springer, 2016.

- Articles

- ≠ Austin J., “Canadian – United States Practice and Theory Respecting the International Law of International Rivers: A Study of the History and the Influence of the Harmon Doctrine”, *Canadian Bar Review*, Vol. 31, 1959.
- ≠ Erades. L. June, “Gut Dam Arbitration”, *Netherlands International Law Review*, Vol. 16, Issue 02, 1969.
- ≠ Kirschner, Adele, J., & Tiroch, Katrin, “The Waters of Euphrates and Tigris: An International Law Perspective”, *Max Planck Yearbook of United Nation Law*, Vol. 16, 2012.
- ≠ Laylin John, Rinaldo G. & Bianchi. L., “The Role of Adjudication in International River Disputes: The Lake Lanoux Case”, *AJIL*, Vol. 53, 1959, No. I.
- ≠ Stephen C. McCaffrey, “The Harmon Doctrine One Hundred Years Later: Buried, Not Praised”, *Nat. Resources J.*, Vol. 36(3), 1997.
- ≠ Michael Bothe, “Transfrontier Environmental Management”, in: *Trends in Environmental Policy and Law*, M. Bothe (Project Coordinator), 1980.
- ≠ Mizanur Rahaman, Muhammad, “Principles of International Water Law: Creating Effective Transboundary Water Resources Management”, *Int. J. Sustainable Society*, Vol. 1, 2009, No. 3.
- ≠ Schwabach, Aaron, “The United Nations Convention on the Law of Non-Navigational Uses of International Watercourses, Customary International Law, and the Interests of Developing Upper Riparians”, *International Law Journal*, Vol. 33, 1998.
- ≠ Soboka Bulto, Takele, “Between Ambivalence and Necessity Occlusions on the Path towards a Basin Wide Treaty in the Nile Basin”, *Colorado Journal of International Environmental Law and Policy*, Vol. 20, 2009.

≠ Sohnel, J., "Irruption Du Droit De L'environnement Dans La Jurisprudence De La C.I.J.: L'affaire Gabcikovo-Nagymaros", *RGDIP*, No. 1. 1998.

- Case Law

- ≠ *Diversion of Water from the Meuse Case (Netherlands v. Belgium)*, (1937), P.C.I.J. (Ser. A/B) No. 70.
- ≠ *U.S. Supreme Court. Nebraska v. Wyoming*, 325 U.S. 589 (1945). *Nebraska v. Wyoming*. No. 6, Original. Argued March 5, 6, 7, 1945. Decided June 11, 1945.
- ≠ *Corfu Channel Case, (United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v. Albania)*, 1949.
- ≠ *Lake Lanouxs Arbitration (France v. Spain)*, 1957.
- ≠ ICJ, *Gabcikovo-Nagymaros Case*, General List No. 92, 25 September, 1997..
- ≠ ICJ, *Pulp Mills on the River Uruguay. (Argentina v. Uruguay)*, 10 April, 2010.

- Instruments

- ≠ Convention for the Hydroelectric Utilization of the Rennes River between France and Switzerland, 14 October, 1913.
- ≠ Convention for the Hydroelectric Utilization of the Doubs River between France and Switzerland, 19 November, 1930.
- ≠ Treaty between the United States of American and Mexico for the Utilization of Waters of the Colorado and Tijuana River and of the Grande, 3 February, 1944.
- ≠ Agreement for the Full Utilization of the Nile Waters (Nile Waters. Treaty), 8 November, 1959.
- ≠ Agreement between His Majesty's Government of Nepal and the Government of India on the Gandak Irrigation & Power Project, 4 December, 1959.
- ≠ The Indus Waters Treaty, 19 September, 1960.
- ≠ Resolution on the Use of International Non-Maritime Waters. Resolution of Salzburg, 11 September, 1961.
- ≠ Convention concerning the Regulation of the Upper Course of the Garonne between France and Spain, 29 January, 1963.
- ≠ The Helsinki Rules on the Uses of the Waters of International Rivers, 1966.
- ≠ Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment (Stockholm Declaration, 1972).

- ≠ Final Act of the Delimitation of the International Frontier of the Pyrenees, 26 May, 1866.
- ≠ Estatutos del Rio Uruguay (Statute of the River Uruguay), Signed at Salto on Feb. 26, 1975, entered into force: 18 Sept., 1976.
- ≠ Report of the United Nations Conference on Water (Mar del Plata, 14-25 March 1977), doc, E/CONF.70/29, p. 5(51).
- ≠ Convention on the Protection and use of Transboundary Watercourses and International Lakes, Helsinki, 1992.
- ≠ United Nations Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses, 1997.
- ≠ Reports of International Arbitral Awards, *Trail Smelter Case*, (United States, Canada). 1938-1941, Available At: http://legal.un.org/riaa/cases/vol_III/1905-1982.pdf

- فرانسوی

- ≠ Barberis, J.A, "L'exploitation Hydro-Électrique Du Paraná et L'accord Tripartite De 1979", *Annuaire Français De Droit International*, Vol.32, 1986, pp .779-793.
- ≠ G. Sauser-Hall, "L'utilisation Industrielle Des Fleuves Internationaux", in: 83 *Hague Recueil*, 1953, pp. 471-586.

